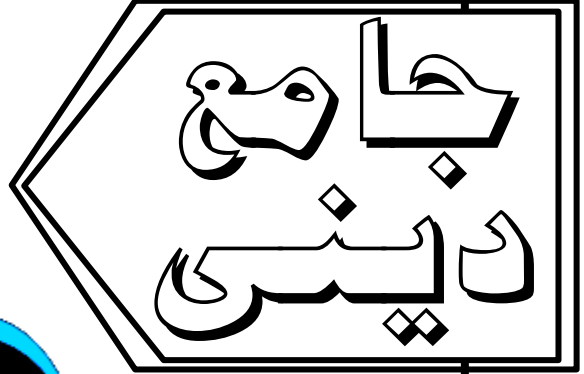


۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس ۵ پنجره ای به روشنایی

اولین پیامد نگرش الهیون، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن پنجره ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است.

بررسی متن کتاب همراه با میکس آیات و متن:

دانستیم که در میان کاروان هستی، انسان ویژگی های منحصر به فردی دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می کند. اکنون می خواهیم تأثیر این

ویژگی ها را در عاقبت و سرانجام او بررسی کنیم و پاسخ پرسش های زیر را به دست آوریم.

چه سرانجامی در انتظار انسان است؟

آیا آینده ی او با دیگر آفریده ها تفاوت دارد؟

آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می شود؟

یا پس از آن، زندگی به شکل دیگری ادامه می یابد؟

دو دیدگاه:

تولد:

رحمت الهی را به خانه ها می آورد.

ترکیب:

نرم شدن پیامبر با مردم به پرکت رحمت الهی

احساسات لطیف زن در سایه رحمت الهی

توبه دروازه ی رحمت الهی

کودکی که از مادر متولد می شود، رحمت الهی را به خانه می آورد، شادی و نشاط را در خانواده

می پراکند و نهال عشق و محبت را در دل مادر و پدر می پرورد. این کودک با بازی های کودکانه، زیر

نگاه پدر و مادر رشد می کند تا به دوره ی نوجوانی و جوانی می رسد. در این دوره، احساس استقلال

می کند، توانایی های جدیدی در خود می یابد و جدی بودن زندگی را لمس می کند. در می یابد که زندگی

آینده به تصمیم های امروز او بسته است. به تدریج تصمیم هایی می گیرد، سرد و گرم زمانه را می چشد،

فراز و نشیب های زندگی را طی می کند، دوره ی میان سالی و پختگی را هم می گذراند تا این که آثار

پیری و ضعف آشکار می شود. پس از گذشت زمانی، کم یا زیاد، مرگ می رسد و دفتر حیات این فرد در

دنیا بسته می شود؛ پدیده ای حتمی که فرا روی ماست و هیچ گریزی از آن نیست. انسان ها، معمولاً در

برخورد با مرگ دو دیدگاه دارند:

دیدگاه منکران معاد (نام دیگر در تست ها=دیدگاه اول یا دیدگاه مادی یا دیدگاه مادیون): (رمز=پایان، بسته، نیستی)

مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و

حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می شود. پیروان این دیدگاه هشدار قران کریم مبنی بر وجود معاد را نادیده می گیرند.

نوجوانی: احساس استقلال
فردیافتن توانایی های جدید
بلمس کردن جدی بودن
زندگی + فهمیدن اینکه زندگی
آینده به تصمیم امروز بستگی
دارد

میانسالی: پختگی را می گذراند

پیری: آشکار شدن ضعف

مرگ: پدیده حتمی فرا روی ما

سوالات:

یکی از اندازهایی که مورد بی توجهی کافران قرار می گیرد، کدام است؟

ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (توحید در خالقیت از ریشه ی خلق)

وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى (حق و هدفمندی و حقانیت جهان آفرینش و حکمت خدای مهربان) (موقتی بودن جهان هستی) (نه روح وبعد روحانی انسان حواست باشه!!!!) (سرامد یا پایان قطعی برای جهان هستی)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُذِرُوا مُعْرِضُونَ (معروض=روی گردان)

معروضون ۲ جا داشتیم:

درس دوم سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت نکته جمع بندی آیات دینی دو درس دو: هرگاه قدر+سخر دیدی بزن: جهان دارای قانون مندی/هرگاه له اسلم دیدی بزن خروج از قانون مندی ها غیر ممکن است./هرگاه اجل مسمی دیدی سریع بزن قانون مندی های جهان موقتی است.

درس ۵ سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت به جمع بندی توپ واسه درس پنج سال دوم: هرگاه اجل مسمی دیدی بزن دنیا دارای سرآمد معین و دنیا دارای قانون مندی/هر وقت مصیر، رجع ی رجعون ترجعون رجعوا رجعن، اجل مسمی دیدی بزن معاد

۲ جا معروضون داشتیم اما به جا هم یعرضون داشتیم:

<p>چرا خدا فرموده آفرینش این جهان جز بر پایه ی حق نیست؟ معاد / موقتی بودن دنیا (اجل مسمی)</p>	<p>ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُذِرُوا مُعْرِضُونَ النَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ</p>	<p>ریشه اعتقاد مادیون؟ علم پذیرش روح</p>
<p>و سرآمدی معین و مشخص کافران از حکمت و معاد روی گردانند. از آن چه انداز شدند (رو بگردانند). آنان بر آتش عرضه می شوند هر بامداد و شامگاه و آن گاه که قیامت بر پا شود ندا می رسد) وارد کنبد آل فرعون را در شدیدترین عذاب</p>		

پیام آیات آیه دوم: از درس ۷ دینی دوم (يعرضون...)

بیانگر دوزخ و جهنم برزخی (سو+عذاب) و دوزخ اخروی و و معاد (اشد+عذاب) مشابهت زمانی دنیا و برزخ (حاق) احاطه کرد) بال فرعون+غدوا+عشیا (روز و شب)) شدت عذاب آخرت به مراتب بالاتر از برزخ است. (اشد العذاب) منظور از ((یوم تقوم ساعه)) روز قیامت است و آیه در مورد سرنوشت قوم فرعون است.

پس هر جا معرضون دیدی بزن روی گردانی از دو چیز: ۱) حکمت خدا ۲) معاد که به کفر می انجامه ولی هر جا يعرضون دیدی (درس ۷ سال دوم) بزن آتش برزخ در مورد آل فرعون

زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، چگونه خواهد بود؟

قاعده یراغ:

ی: یرجون ر: رضو ا: اطمأنوا غ: غافلون

هرگاه یراغ دیدی در تست سریع بزن دیدگاه منکران معاد و زندگی پس از مرگ و اسباب دوزخی شدن انسان و یاد آتیش و عذاب الهی که خیلی داغه که غ داره و یراغ که غ داره بیوفت. هی بگو یراغ که غ داره خیلی داغهمههه!

۱ **إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا**

۲ **وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا**

۳ **وَاطْمَأْنَوْا بِهَا**

۴ **وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ**

+زندگی دنیوی بدون توجه به آخرت نتیجه اش دوزخ است.
+تلاش مستمر بدون توجه به آخرت نتیجه اش دوزخ است.

دیدگاه منکران معاد و زندگی پس از مرگ (مادی گرایان) و فرجام این اعتقاد (مواهم النار بما کانو یکسبون) اسباب و عوامل دوزخی شدن یا همون قاعده یراغ خودمون!:

۱) غفلت از آخرت (لا یرجون لقاءنا)

۲) دل بستگی و قناعت به دنیا (رضوا بالحیات الدنیا)

۳) تکیه به زندگی دنیوی (اطمأنوا بها)

۴) غفلت از نشانه های خداوند (عن آياتنا غافلون)

غفلت از نشانه های خداوند دلیل انکار معاد است.

زندگی دنیوی اگر بدون توجه به آخرت باشد سرانجام و عاقبتی جز عذاب الهی ندارد.

نکته: هرگاه در تستی گفتند این آیه مربوط به کدام پیامد دیدگاه مادیون است؟

میگیم پیامد اول **نه دوم!** که موارد زیر رو شامل میشه تک تک شون رو میتونن بدن به ما به جای اینکه در گزینه ها بنویسن پیامد اول یا دوم که ما باید بتونیم تشخیص بدیم هر کدام واسه کدام پیشامده اول یا دوم؟

پیامد اول:

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که گرایش به **جاودانگی**

دارد، این است که همین زندگی چند روزه نیز برایش **بی ارزش** می شود؛ در نتیجه:

به **یأس و ناامیدی** دچار شده،

شادابی و نشاط زندگی را از دست می دهد،

از دیگران **کناره** می گیرد

و به انواع **بیماری های روحی** دچار می شود.

گاهی نیز برای **تسکین** خود و فرار از ناراحتی، در **راهی** قدم می گذارد که روز به روز **بر سرگردانی و یأس او می افزاید.**

به طور کلی کلید های زیر رو بلد باشد:

(۱) ناامیدی

(۲) عدم شادابی

(۳) کناره گیری

(۴) بیماری های روحی

(۵) گاهی راهی سرگردانی (همشون تهشون ی دارن!!!)

زیان کارترین مردم چه کسانی هستند؟ و اینان درباره ی خود چه فکر می کنند؟

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ

بِالْأَخْسَرِينَ **أَعْمَالًا**

الَّذِينَ **صَلَّ سَعِيَهُمْ**

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

حقیقت عمل از
بین نمی رود
فقط گم می شود!

قاعده تمییز:

بعد از فعل (حَسَنَ) تمییز می آید. در این آیه داریم: **يُحْسِنُونَ صُنْعًا**

بعد از اسم تفضیل هم تمییز می آید. در این آیه داریم: **بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا**

در این آیه تمییز هابه همراه کلمه **قبلشان** همان کد های آیه هستند

وَهُمْ يُحْسِبُونَ

أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صَنِيعًا

در مورد خودشان فکر می کنند که بهترین اند؛ شیطان با سواستفاده از فطرت خیرخواهانه انسان ها این پندار را شکل می دهد که عمل ناپسند خود را زیبا ببینند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ

فَحَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ

فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

ویژگی های غافلین از مرگ و جهان پس از مرگ و سرنوشت آنها دو تا داشتیم:

یک دسته اونایی که کلاً فقط عاشق دنیا و مال اندوزی و غفلت از آیات خدا بودن و قاعده ی یراغ

(لا یرجون—+رضوا+اطمننوا+غافلون—) رو دقیق اجرا می کردن و در انتها وارد نار(آتیش) داغ داغ میشدن چون یراغ هم غ— داشت!!!

و اما یک دسته دیگه هم داشتیم که تو آیه بالا اومده: اونایی که سعی می کنن و تو آیه مربوط بهشون هم ما کلید سعی رو داریم ولی چون به نشانه های پروردگار شون و دیدارش کفر ورزیدن بنابراین سعی و کوشش شون تباه و ضل شد! (ضَلَّ سَعِيَهُمْ)

زیان کارترین انسان ها:

(۱) تلاش ایشان در دنیا منجر به نتیجه نمی شود. ضَلَّ سَعِيَهُمْ

(۲) گمان می کنند بهترین عملکرد را دارند که اشتباه است. أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صَنِيعًا

(۳) به نشانه های خداوند و دیدار او کفر ورزیدند. كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ

تکنیک حفظ:

ض ی ان ک ار ترین؟

ض= ضل سعیههم ی= یحسون صنعا ک= کفروا بایات و لقاء

سرنوشت زیان کارترین افراد:

۱) اعمالشان تباه و نابود می شود. **فَحَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ**

۲) در رستخیز اعمالشان مورد سنجش قرار نگرفته و کاملاًرد می شود و وزنی برای اعمالشان وزنی قرار نمی گیرد

چون تباه شده اند. **فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا**

حواست جمع باشد:

یه دونه تباه داشتیم توی ویژگی های زیان کار ترین افراد که ((ضل سعیهم فی الدنيا)) بود و یدونه تباه و نابود هم توی سرنوشت همین افراد داشتیم که ((حبطت اعمالهم)) بود.

زیان کارترین افراد نه دنیا را دارند(فی الدنيا) و نه آخرت را(فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا)

ظرف تحقق آیه=روز قیامت

یکی از وقایع مرحله دوم وقوع قیامت سنجش اعمال است که برای کافران هیچ عملی سنجیده نمی شود.

نکته: هرگاه در تستی گفتند این آیه مربوط به کدام پیامد دیدگاه مادیون است؟

میگیم پیامد دوم نه اول! که موارد زیر رو شامل میشه تک تک شون رو میتونن بدن به ما به جای اینکه در گزینه ها بنویسن پیامد اول یا دوم که ما باید بتونیم تشخیص بدیم هر کدام واسه کدوم پیشامده اول یا دوم؟

گروهی نیز می کوشند که راه غفلت از مرگ را پیش بگیرند، خود را به هر کاری سرگرم می سازند

تا آینده ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.

خداوند در قران این گروه از مادی گرایان را زیان کارترین مردم معرفی می کند.

آیات اندیشه و تحقیق : مربوط به دیدگاه اول یا دیدگاه مادیون

ان هی الا حیاتنا الدنیا... ما نحن بمبعوثین: دیدگاه اول را درباره مرگ نشان می دهد و در مورد کسانی است که در زندگانی سرگرم شده و مرگ را پایان زمدگی می دانند.

ارسلنا... ان اعدوا: هدف از ارسال پیامبران پرستش خداوند می باشد(هدایت تشریعی)

سخن اشراف کافر که معاد را انکار می کنند:

۱) هر پیامبر صرفاً انسانی مثل ما است. (ما هذا الا بشرًا مثلکم)

وَقَالَ الْمَلَأُ: (اشراف)

۲) اطاعت از پیامبران موجب خسران می شود. (لئن اطعتم... لخاسرون)

ویژگی های اشراف:

(۱) کفر به خدا (کفروا)

(۲) تکذیب قیامت (کذبوا بقاء الاخره)

(۳) بهره مندی از نعمت های دنیوی (اترفنا=مرفه ساختیم فی حیاة الدنیا)

(۴) انکار نبوت (ما هذا الا بشرا مثلکم)

یعدکم+اذا متم و کنتم ترابا+مخرجون+لما توعدون: انکار معاد جسمانی توسط مادی گرایان

مالکم اله غیره=توحید در ربوبیت(رب و اله=توحید در ربوبیت)

ان اعبدوا+توحید در عبادت

۳. با مطالعه و دقت در آیات ۳۲ تا ۳۷ سوره ی مؤمنون، توضیح دهید این آیات بیانگر کدام تفکر درباره ی مرگ است؟

این آیات بیانگر عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.

← تقوا لازمه نظام الهی

فَازْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهِ غَيْرُهُ اَفَلَا تَتَّقُونَ

توحید عبادی بعد اجتماعی

و در میانشان پیامبری از خودشان فرستادیم که خداوند را بپرستید، برای شما هیچ معبودی غیر از او نیست، پس آیا تقوا پیشه نمی کنید؟

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِاِلْقَاءِ الْاٰخِرَةِ وَاَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيٰةِ الدُّنْيَا

توحید عبادی بعد اجتماعی

و اشراف قومی که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می کردند و در زندگی دنیا آن ها را مرفه ساختیم، گفتند

مَا هٰذَا اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُوْنَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُوْنَ

این (مرد) جز بشری همانند شما نیست، از آن چه می خورید، می خورد و از آن چه می نوشید، می نوشد.

وَلَئِنْ اَطَعْتُمْ بَشْرًا مِّثْلُكُمْ اِنَّكُمْ اِذَا لَخٰسِرُوْنَ

تحقق

و اگر بشری مثل خودتان اطاعت کنید، قطعاً در آن صورت زیان کارید.

اَبَعِدُكُمْ اَنْتُمْ اِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا اَنْتُمْ مُّخْرَجُونَ

آیا وعده

آیا به شما وعده می دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوان شدید(باز) شما (زنده می شوید و از خاک) بیرون آورده می شوید؟

(هَيَّاتَ هَيَّاتَ لِمَا تُوْعَدُونَ)

چه دور است، دور است، آن چه وعده داده می شوید.

اِنْ هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوْثِيْنَ

منحصر دانستن حیات به دنیا (نگاه مادی)

جز این زندگی دنیایی ما، چیزی نیست: (عده ای) می میرند و (عده ای) زندگی می کنیم و ما برانگیخته نخواهیم شد.

پیامد های دیدگاه اول:

این دیدگاه با میل به جاودانگی تناقض و تعارض دارد و معتقدین این دیدگاه به بن بست می رسند.

نتایج پیامد اول (گروه اول مادی گرایان):

بین میل به جاودانگی و بی ارزش شدن زندگی چند روزه ی دنیا و کفر به آیات پروردگار و لقای او رابطه ی علیت برقرار است که عنوان هر یک به ترتیب و و است.

بی ارزش شدن زندگی

دچار یاس و نا امیددی

از دست دادن شادابی و نشاط زندگی

کناره گیری از دیگران

ابتلاء به انواع بیماری های روحی

قدم گذاشتن در راه های خلاف جهت چی؟ جهت تسکین خود و فرار از ناراحتی

گروه دوم راه غفلت از مرگ را پیش می گیرند و خود را به هر کاری سرگرم می کنند تا آینده تلخ خود را فراموش کنند.

نتایج پیامد دوم (گروه دوم مادی گرایان):

انجام هر کاری برای فراموشی آینده تلخ خود = غفلت از مرگ با هدف فراموش کردن آینده ی تلخ خود

قرارگیری در زمره زیان کارترین افراد (طبق قران کریم)

نکته: عامل اصلی بی توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از آن چیست؟ میل به جاودانگی انسان ها

دیدگاه پیامبران الهی یا دیدگاه دوم یا دیدگاه معتقدان به معاد:

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی پندارند بلکه آن را غروبی می دانند

که طلوعی درخشان تر در پیش دارد یا پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک هستی (دنیا) به هستی

بالتری (آخرت) منتقل می کند .رسول خدا فرمود:

برای نابودی و فنا خلق نشده اید،بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان

دیگر منتقل می شوید.

از ایشان پرسیدند :با هوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند .

امیر مؤمنان فرمود:

ای مردم! آدمی در همان حال که از مرگ می گریزد، آن را ملاقات می کند. دوران زندگی میدان از دست دادن جان است و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن می باشد.

سوالات:

چرا خداوند فرموده آفرینش این جهان **جز بر پایه ی حق نیست؟**

ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (توحید در ریشه ی خلق)

وَمَا بَيْنَهُمَا **إِلَّا بِالْحَقِّ** و اجل مسمی (حق و هدفمندی و حقانیت جهان آفرینش و حکمت خدای مهربون) (موقتی بودن جهان هستی (نه روح و بعد روحانی انسان حواست باشه!!!!) (سرامد یا پایان قطعی برای جهان هستی) وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْزَلُوا مَعْزُونَ (معروض=روی گردان)

گزینه نادرست برای این سوال:

خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید تا هرکس پاداش آنچه انجام داده است را بیابد در حالی که به ایشان

ظلم و ستم نمی شود. (آیه: خلق+الحق+لتجزی+لایظلمون)

گزینه صحیح برای این سوال:

چون آفرینش آسمان ها و زمین دارای سرآمد و پایان مشخصی است و کسانی که کافر شدند از حکمت خداوند و حق و هدفمند بودن جهان و دارای سرآمد و اجل مسمی بودن جهان هستی روی گردانند.

آیا خداوند فقط همین دنیا را آفریده است؟

خیر زیرا:

۲ آیه مهم:

قُلْ **سَيُرَوُّ فِي الْأَرْضِ** دعوت خدا به سیر در زمین برای فهمیدن قدرت الهی (گردش در زمین برای عبرت گرفتن) دعوت خدا به سیر در زمین برای درک آفرینش مجدد آن (گردش در زمین برای عبرت گرفتن)

فَانظُرُوا كَيْفَ **بَدَأَ الْخَلْقَ** آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

ثُمَّ **اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ** خدا همان گونه که آفرینش را آغاز نمود بر خلقت جهان آخرت توانایی دارد وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

إِنَّ **اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** قدرت نامحدود خدا (قدیر)

نتایج سیر و گردش در زمین:

(۱) درک چگونگی پیدایش دنیا

(۲) مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

(۳) مشاهده قدرت خداوند

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَنْظُورٌ مُلْكُوتٌ دُنْيَا (تعریف دنیا از نظر وحی الهی)

إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ اِگر به دنیا مستقل نگاه شود ، لهو و لعب است و شایسته دلبستگی نیست.

وَ اِنَّ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ مَقٰیسه دُنْيَا و اٰخِرَتِ که اٰخِرَتِ پاسخگوی میل به جاودانگی انسان است.

لِهٰی الْحَيٰوٰنِ اِختصاص زندگی راستین به اٰخِرَتِ مشروط به آگاهی و معرفت مستمر است.

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ رسول خدا: برای نابودی و فنا خلق نشده اید بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می شوید

یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می شود، چیست؟

پیام آیه: دیدگاه الهیون نسبت به مرگ

وَ خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ نِظَامِ پاداش و جزا از نتایج برحق بودن جهان خلقت (مربوط به انسان)

وَلِ تَجْزٰی كُلِّ نَفْسٍ تَحَقُّقِ عَدٰلَتِ الهی

بِمَا كَسَبَتْ حِکْمَانِه بُوْدِن نِظَامِ خَلَقَتِ ، با دریافت بازتاب اعمال انسان ها رقم می خورد (عدالت نتیجه حکمت)

و هُمْ لَا يُظَلَّمُونَ

چه تفاوت های مهمی میان دنیا و آخرت وجود دارد؟

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَنْظُورٌ مُلْكُوتٌ دُنْيَا (تعریف دنیا از نظر وحی الهی)

إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ اِگر به دنیا مستقل نگاه شود ، لهو و لعب است و شایسته دلبستگی نیست.

ما + الا همیشه معنی فقط می دهد....زندگی دنیوی فقط برای لهو و لعب است.

وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ مَقَابِسَهُ دُنْيَا وَ آخِرَتِ كِهَ پَاسِخْگُویِ مِیلِ بَه جَاوَدَانْگِیِ اِنْسَانِ اسْت.

آخرت: محل زندگی واقعی + سرای پاداش + برتر از زندگی دنیوی ولی دنیا: بازیچه و سرگرمی و سرای عمل که خوشی ها و سختی های آن در مقایسه با آخرت تنها یک بازیچه است (لهو و لعب) و بسیار کوتاه مدت و کم اثر می باشد.

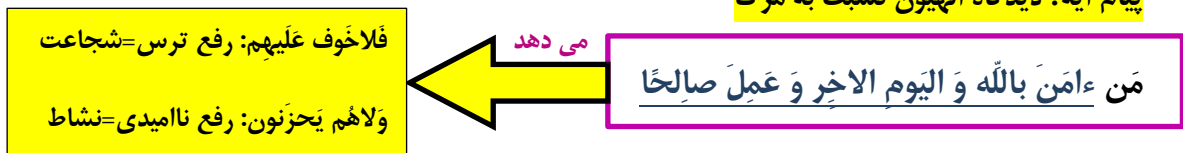
لِئَلَّهِ الْخَيَوَانُ اِخْتِصَاصُ زَنْدِگِیِ رَاسْتِیْنِ بَه آخِرْتِ مَشْرُوطِ بَه آگَاهِیِ وَ مَعْرِفْتِ مَسْتَمِرِّ اسْت.

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

چه کسانی در این جهان دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی شوند؟

نتیجه

پیام آیه: دیدگاه الهیون نسبت به مرگ



ویژگی افرادی که دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی شوند:

(۱) ایمان به خدا (۲) ایمان به رستاخیز (معاد) (۳) انجام عمل صالح

فَلَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ: رفع ترس = شجاعت ارتباط با کلام امام حسین "من مرگ را جز سعادت"

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: رفع ناامیدی = نشاط

چگونه می توان یک زندگی نتیجه بخش و پر ثمر داشت؟

وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ

وَ سَعَى لَهَا سَعِيهَا

وَ هُوَ مُؤْمِنٌ

فَأُولَئِكَ كَانَتْ لَهُمْ مَسْجُورًا

لازمه زندگی پر ثمر؟ ارَادَ الْآخِرَةَ + سَعَى لَهَا سَعِيهَا + هُوَ مُؤْمِنٌ

شرایط قبول اعمال انسان توسط خدا؟ ارَادَ الْآخِرَةَ + سَعَى لَهَا سَعِيهَا + هُوَ مُؤْمِنٌ

ارتباط با کلام امام حسین (من مرگ را) / شیرین تر از غسل بیان کردن طعم مرگ توسط قاسم (ع)

پیامدهای دیدگاه دوم یا دیدگاه الهیون:

پیامد اول:

اولین پیامد این نگرش، بیرون آمدن زندگی از **بن بست و باز شدن** پنجره ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است.

چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت **خستگی ناپذیر** است و از کار خود لذت می برد. او با

تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می کوشد و می داند که هر چه بیش تر به دیگران خدمت کند،

آخرت او زیباتر خواهد بود. **حضرت علی** علیه السلام روزها به نخلستان می رفت و به حفر چاه

مشغول می شد و وقتی به آب می رسید، در حالی که عرق از سر و رویش جاری بود، آن را **وقف** می کرد

و در اختیار عموم مردم قرار می داد. گاه زمین بزرگی را انتخاب می کرد و به کاشتن نخل می پرداخت

و وقتی کار به انجام می رسید، آن را **وقف مردم و به خصوص محرومان** می کرد.

رمزها: بیرون از بن بست+شور و نشاط+تلاش در خدمت به خلق خدا+وقف مردم به ویژه محرومان+حضرت علی

و حفر چاه

اثر ۲ این نگرش، **نهراسیدن** از مرگ و آمادگی برای **فداکاری** در راه **خداست**.

خداپرستان حقیقی (چرا برخی از افراد با این که بیان می کنند آخرت را قبول دارند و از لحاظ فکری آن را پذیرفته

اند، تلاش چندانی برای آن جهان نمی نمایند و در زندگی خود به گونه ای عمل می کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟ زیرا

ممکن است برحسب عادت یا تقلید یا به لحاظ نظری پذیرفته باشند که آخرتی هم هست اینان **خداپرستان حقیقی**

نیستند و دارای ایمان قوی نمی باشند و معاد را صرفاً به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند و قلباً بدان نگریده اند.))

گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند، اما به آن **دل نمی سپرند؛ از این رو، مرگ را**

ناگوار نمی دانند آنان معتقدند که مرگ برای کسانی **ناگوار و هولناک** است که: **زندگی را محدود به**

دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند. نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا

نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند **عمر طولانی** می خواهند تا بتوانند در این جهان با

تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر

بهشت نائل شوند. از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از **حق و مظلوم** و فداکاری در

راه **خدا آسان تر** شود و **شجاعت** به مرحله ی **عالی** آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ

و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود،

راه **آزادی** انسان ها را هموار کنند؛ از این رو، آن گاه که حضرت امام حسین در دو راهی ذلت و

شهادت قرار گرفت، **شهادت** را برگزید و فرمود:

إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً من مرگ را جز سعادت، **مرگ با عزت**
 وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ و زندگی با ظالمان را جز ننگ
 إِلَّا بَرَمًا و خواری نمی بینم. **زندگی با ذلت**
 می دهد:

یک مثال دیگر:

شب عاشورا حضرت قاسم فرزند حضرت امام حسن علیه السلام نزد عمویش آمد و پرسید:

عموجان آیا من هم شهید می شوم؟

امام به جای جواب، پرسید: چنین رفتنی پیش تو چگونه است؟

جواب داد: **شیرین** تر از عسل! (((إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً)))

امام فرمود: آری، تو هم شهید خواهی شد.

یادداشت های من درس ۵:

.....

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس ششم (آینده روشن)

پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به **حیات برتر** می دانند. (لحی الحیوان)

قانون عقل و خبر پیامبران:

اگر سیم برقی را که بدون حفاظ است، بر دیوار منزل خود مشاهده کنیم و یکی از اعضای خانواده به ما خبر دهد که در آن برق جریان دارد، از دست زدن به آن خودداری می کنیم. زیرا در این گونه موارد از یک **قانون عقلی** پیروی می کنیم که می گوید **دفع خطر احتمالی لازم است**.

حال اگر با خبری مواجه شویم که از **قطعی ترین خبرهاست**، با آن چگونه برخورد می کنیم؟ آن هم خبری که درباره ی زندگی ابدی ماست.

مهمترین خبری که **انبیاء** درباره ی آینده ی بشر آورده اند، خبر از معاد و سرای آخرت است. همه ی آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را **لازمه ی ایمان به خدا دانسته اند**. قرآن کریم با چنان صراحت و قطعیتی از آخرت یاد می کند که جای هیچ شک و شبه های را باقی نمی گذارد. در این کتاب الهی، بعد از توحید و یکتاپرستی، درباره ی هیچ موضوعی به اندازه ی معاد **سخن نرفته است**. حدود ۲۵ درصد آیات قرآن کریم به موضوع معاد اشاره دارد. **اول توحید بعداً معاد**

کدام یک از آیات ابتدای درس خبر از جهان آخرت به ما می دهد؟ در

این آیه بر چه نکاتی درباره ی قیامت تأکید شده است؟

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تَقَدَّمَ مَحَبَّتَ بَرِّ بِيْزَارِي ؛ يِگانگی خدا در همه ی ابعاد

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ حاکمیت تدبیری حساب شده در جهان خلقت ضرورت برپایی قیامت را ایجاب می کند
قطعیت موضوع معاد و رستاخیز (لا ریب فیهِ)

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا صَادِقَ الْقَوْلِ بODN خدا

قاعده عقلی: دفع خطر احتمالی لازم است.

در جواب: چرا ممکن نیست که دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهد؟

الله=محبت(تولی)

لا اله=بیزاری(تبری)

ایمان به معاد لازمه ایمان به خداست: **يَوْمِ الْقِيَامَةِ + اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**

از ریشه جمع دیدی=معاد جسمانی و روحانی=حقیقت معاد

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا لَا رَيْبَ فِيهِ (خاطر از تردید بودن معاد بفاطر صادق القول بودن خداوند)

عدل معلول

قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده و بارها با دلیل و برهان ضرورت آن را ثابت کرده است. از جمله راه هایی که قرآن کریم برای بیان ضرورت معاد بر آن ها تأکید کرده است، عبارتند از:

- ۱ حکمت الهی
- ۲ عدل الهی

ضرورت معاد=چرا باید معادی باشد؟

ضرورت معاد براساس حکمت الهی

حکیم کسی است که کارهایش **هدفمند** است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود. از

این رو خدای حکیم، مرتکب کار **عبث** و بیهوده نمی شود، زیرا کار عبث از **جهل و نادانی** سرچشمه

می گیرد. هر موجودی را برای هدف شایسته ای خلق می کند و امکانات رسیدن به آن **هدف** را هم به او عطا می نماید و اگر

تمایلات و گرایش هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش بینی کرده است. به طور مثال، در مقابل

احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند.

حال اگر به وجود خود توجه کنیم، می بینیم که هر انسانی **گرایش به بقا و جاودانگی** دارد و از

مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد.

همچنین هر انسانی **طالب و خواستار** همه ی کمالات و زیبایی هاست و این طلب به هیچ حدی محدود نمی شود.

او **به دنبال** پایان ناپذیرها و افول ناشدنی هاست. (صفرت لبراهیم: لا اُصِبُّ الاَلفیخ)

حکیم کیست؟ کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح منتهی میشود

دنیايي که در آن زندگي می کنيم و عمر محدود انسان ها پاسخ گوی اين گونه **نیاز** ها نيست . نمی شود که خداوند **عشق** به **خود و حیات ابدی** را در وجود کسی قرار دهد و سپس او را در حالی که مشتاق اوست، از هستی ببندد. نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از **رشد و کمال** برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگي آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکيم محال است و هرگز سر نخواهد زد.

کلید های ضرورت معاد براساس حکمت الهی:

هدفمند/عبث/هدف/تمایل/گرایش/احساس/طالب/خواستار/به دنبال/عشق به خدا و حیات ابدی/رشد/کمال/نیاز/بینهایت

أَفَحَسِبْتُمْ؟ بیان ضرورت تحقق معاد از طریق طرح استفهام انکاری پرسش از منکران معاد

أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا ضرورت - حکمت (عبث) توמיד فالقیت فلقت مکیمانه و هدف دار

وَأَنْتُمْ آئِنَا لَا تُرْجَعُونَ بازگشت به سوی خدا کاروان هستی از فداست و رو به سوی فدا دارد.

مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا **بَاطِلًا** ضرورت - حکمت

ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ **كَفَرُوا** چه کسانی آفرینش آسمان و زمین را باطل می پندارند؟ یکی از مصادیق کفر مکیمانه ندانستن نظام آفرینش است

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ عقوبت بی اعتقادی به قیامت (ذلک ظن) بیم دادن فدا به کافران

وجود دو ویژگی **گرایش به بقا و جاودانگی و خواستار کمالات بی نهایت بودن** در انسان اثبات کننده ی معاد در پرتو **حکمت الهی** است.

عدل = قسط = میزان

ضرورت معاد براساس عدل الهی:

عدل یکی از **صفات الهی** است. خداوند عادل است و جهان را بر عدل استوار ساخته است.

رسول خدا می فرماید: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ **وَأَسْمَانُهَا** و زمین براساس عدل پابرجاست.

زندگی انسان ها نیز در داخل این نظام عادلانه قرار دارد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که

هرکس را به آن چه **استحقاق** دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند.

اما زندگي انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد .

زیرا:

الف **پاداش** بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست.

همچنین پاداش کسی که کارهای نیک فراوانی دارد و به جمع زیادی از انسان ها خدمت کرده است، با توجه به عمر محدودی که دارد، میسر نیست.

ب **مجازات** بسیاری از کسانی که به دیگران ستم کرده اند در این دنیا عملی نیست. برای مثال، مجازات کسی که افرادی را به قتل رسانده یا مانع رشد استعدادهای بسیاری از انسان ها شده است، در این جهان ممکن نیست. و اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش برسانند و حق مظلوم را باز ستانند، بر نظام عادلانه ی خداوند ایراد وارد می شود.

کلید های ضرورت معاد براساس عدل الهی:

استحقاق / پاداش / کیفر / قسط / میزان / ام نجعل / لایظلم / مجازات / عدم قابلیت جبران / استعداد / ک در آیات

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ - ضرورت - عدل (ام نجعل)

فِي الْأَرْضِ **أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ** عدم برابری اهل ایمان و عمل صالح با مفسدان و پرهیزکاران با بدکاران در پیشگاه خدا

نظام عادلانه جهان = وعده خداوند (هر کس به آنچه استحقاق دارد می رسد + حق کسی ضایع نمی گردد)

لتجزی کل نفس بما کسبت و هم **لایظلمون - ضرورت - عدل**

نکته: هر گاه از ریشه کسب کلمه ای در آیات آمد اشاره داره به نتایج بازتاب اعمال خودمان.

امکان معاد جسمانی:

چگونه ممکن است که با وجود مرگ و پوسیده شدن انسان دوباره زنده شود و جسم داشته باشد.

کدام گروه از افراد در امکان معاد جسمانی تردید می کنند؟ آنان فکر می کنند حقیقت انسان همین بعد جسمانی اوست.

چگونه ممکن است که همه انسان ها پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن، دوباره زنده شوند؟

قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد:

۱ حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ **نابود** نمی شود بلکه

توسط فرشته ی مرگ به تمام و کمال دریافت می گردد. (توفی)

۲ پاسخ دیگر قرآن کریم مربوط به **امکان** آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت

است. این پاسخ خود به سه گونه طرح شده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است. (امکان

معاد جسمانی)

(۱) **قدرت** بی پایان (قادرین)

أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِّيَ بَنَانًا

معنی: آیا آدمی می پندارد که ما استخوانهایش را گرد نخواهیم آورد؟ آری، ما قادر هستیم که سر انگشتهایش را برابر کنیم.

اشاره به قدرت نامحدود خدا (ایحسب - قادر)

(۲) به دلیل **آفرینش نخستین** انسان (حی)

امکان معاد با تمثیل

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِي م قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

معنی: در حالی که آفرینش خود را از یاد برده است، برای ما مثل می زند که چه کسی این استخوانهای پوسیده

را زنده می کند؟ بگو: کسی آنها را زنده می کند که در آغاز بیافریده است، و او به هر آفرینشی **دانا**ست.

(۳) به دلیل رستاخیز در **طبیعت** (میت)

مرحله دو قیامت

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

معنی: خداست که بادهای را می فرستد تا ابرها را برانگیزند و ما آنها را به سرزمینهای مرده می رانیم و زمین مرده را

به آن زنده می کنیم زنده گشتن در روز **قیامت** نیز چنین است.

نکته **مرگ**: در تست زنی و کنکور سراسری اگر هر دو کلمه "حی" و "میت" وجود داشت اولویت

با "میت" است یعنی: رستاخیز در طبیعت.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

معنی: زنده را از مرده بیرون آورد و مرده را از زنده و زمین را پس از، مردنش زنده می سازد و شما نیز این چنین از گورها بیرون شوید

اشاره به نظام مرگ و زندگی طبیعت / قیامت در مرحله دوم

پایان درس ششم سال دوم

یادداشت های درس ششم:

...

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس هفتم (منزلگاه بعد=برزخ)

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ خبر می دهد، به نام برزخ

برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ نیز میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می شوند و تا قیامت در آن جا می مانند.

و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون

عالم برزخ میان دنیا و آخرت است.

انسان ها پس از مرگ وارد برزخ می شوند.

مدت حضور در عالم برزخ تا زمانی است که قیامت برپا گردد.

ویژگی های برزخ:

1) پس از مرگ، گرچه فعالیت های حیاتی بدن متوقف می شود، اما فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح است توفی می کنند، یعنی آن را به طور تمام و کمال دریافت می کنند.

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمْ لَمَلَائِكَةٌ

شاخ نکته: آیه ای که ((ان الذین)) + ((توفی)) دارد آخرش به ((ساءت مصیرا)) ختم می شود و درباره ی ستم بر خود توسط گناهکاران و توجیه آنان درمورد اظهار ناتوانی بر ترک گناه و فرار از مسئولیت. اینجوری بگو که یادت نره!! خدا ظالمین رو قطعاً قطعاً (ان) مجازات میده!!

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمْ مَلَائِكَةٌ طَيِّبِينَ

شاخ نکته: آیه ای که ((الذین)) + ((توفی)) دارد آخرش به ((ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون)) ختم می شود و سخن فرشتگان به پاکان در برزخ که بدلیل اعمال نیک مستمر دنیایی پاکان وصول به بهشت برزخی یافته اند.

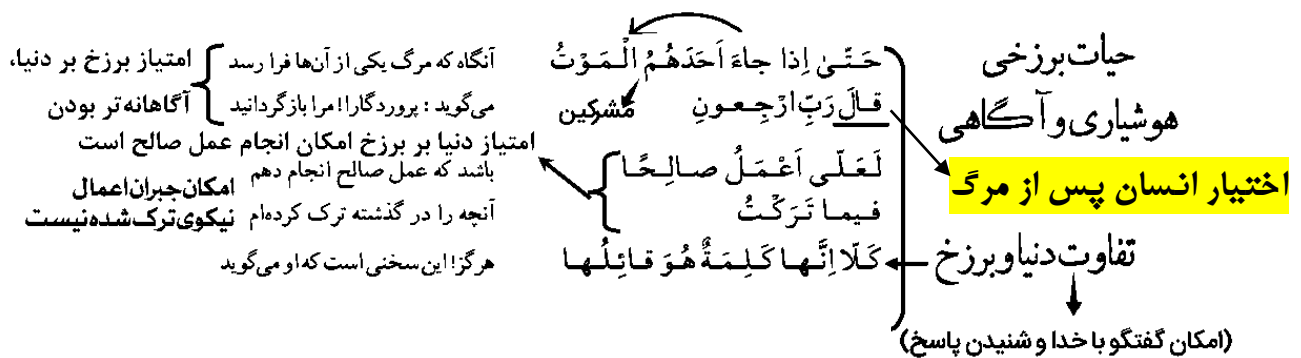
غول نکته!

توفا: جهنم برزخی

تتوفا: بهشت برزخی

نکته ی توفی در اندیشه و تحقیق درس: توفی به معنای دریافت تمام و کامل است و کاملاً مربوط به بعد روحانی و غیرمادی انسان است و کاربرد آن برای مرگ انسان و دریافت روح توسط فرشتگان بیانگر این واقعیت است که حقیقت وجود انسان فقط روح است زیرا در هنگام مرگ فقط روح انسان گرفته می شود؛ اما به تعبیر قران همه ی وجود انسان گرفته می شود و این خود به معنای حقیقت بودن روح است.

2) بنابراین گرچه بدن حیات خود را از دست می دهد، اما روح همچنان به **فعالیت آگاهانه** ی خویش ادامه می دهد. (فعالیت آگاهانه=هوشیاری و آگاهی) (رمز=قال+ارجعون)



غول نکته ی دینی (!): طبق متن درس داریم:

ظرف تصفوق

توفی می دهد = فعالیت آگاهانه روح در عالم برزخ

معلول

عدت

برزخ در کلام پیامبر

در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن

کشتگان را ندا داد: ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا

شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟ (زندگی و حیات آگاهانه برزخ)

گفته شد: ای رسول خدا، آیا ایشان را می خوانی در حالی که مردگان اند؟

فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند، و فقط بر

پاسخ دادن توانا نیستند. (افزایش آگاهی در برزخ=شنواترند)

3) در این عالم، انسان با فرشتگان گفتگو می کند و پاسخشان را می شنود. همچنین

اموری را **درک و مشاهده** می کند که درک آن ها در دنیا ممکن نبود. به طور مثال، اعمالی

را که در دنیا انجام داده، مشاهده می کند. (شاخ نکته: گفتگو با خدا در آیه دیدی (که همراه با درخواست بازگشت به دنیا است) سریع بزن فعالیت آگاهانه ولی اگه گفتگوی فرشتگان با انسان دیدی یعنی از ریشه ی **قال** همراه با ملائکه در آیه دیدی بزن گفتگو با فرشتگان یا درک و مشاهده امور غیر قابل درک در دنیا که با مشاهده اعمالی که در دنیا انجام شده است متناسب است.))

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَلَائِكَةُ
(ظالمی آنفیسیم) ← ستمگران = گناهکاران = سدادگران

فرشتگان مرگ به گناهکاران در برزخ ← قالوا فیم کنتم
اولین سؤال فرشتگان از گناهکاران در برزخ

گناهکاران به فرشتگان مرگ در برزخ ← قالوا کنا مستضعفین فی الارض ← توجیه گناهکاری خود
فرشتگان مرگ به گناهکاران در برزخ ← قالوا ألم تکن أرض الله واسعة ← انسان مسئول اعمال خود است و عذرویهانه پذیرفته نیست

فأولئك ما أوأهم جهنم
و ساءت مصیرا

بخشی از جزای گناهکاران در برزخ داده می شود
به دلیل قابلیت جزای پس برزخ وسیعتر از دنیا است.

نساء، ۹۷

الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ طَيِّبِينَ
معلول [فرشتگان مرگ به طیبین در برزخ ← یقولون سلام علیکم
برخورداری از درود فرشتگان هنگام ورود
به بهشت برزخی معلول اعمال نیک مستمر است.

أَدْخَلُوا الْجَنَّةَ
بما کنتم تعملون [علت ۳۲
کان + فعل مضارع = استمرار

برزخ در کلام پیامبر:

در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن کشتگان را ندا داد: ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟ (زندگی و حیات آگاهانه برزخ)

گفته شد: ای رسول خدا، آیا ایشان را می خوانی در حالی که مردگان اند؟

فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند، و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند. (افزایش آگاهی در برزخ=شنواترند)

برزخ در کلام امام کاظم:

امام کاظم (ع): کمیت فضایل تعیین کننده کمیت دیدار مومن با خانواده اش است

مومن بر حسب مقدار فضیلت هایش پس از مرگ به دیدار خانواده اش می رود برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه. (فعالیت آگاهانه و هوشیاری و آگاهی انسان در برزخ)

3) بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده می شود. مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می گذرانند.

بخشی از جزای گناهکاران در برزخ داده می شود به دلیل قابلیت جزایس برزخ و سיעتر از دنیا است.

برخورداری از درود فرشتگان هنگام ورود به بهشت برزخی معلول اعمال نیک مستمر است.

فَأُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ
وَسَاءَتْ مَصِيرًا

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ [علت
گان + فعل مضارع = استمرار
نحل، ۳۲

موسی

پس خدا او را حفظ کرد

از بدی های نیرنگ آنان

و احاطه کرد آل فرعون را

بدترین عذاب. «جهنم برزخی»

آنان بر آتش عرضه می شوند

هر بامداد و شامگاه

و آن گاه که قیامت بر پا شود

(ندا می رسد) وارد کنید آل فرعون را

در شدیدترین عذاب «جهنم قیامت»

غافر، ۴۵ و ۴۶

کل آل فرعون نه فقط فرعون را

فَوَقَاهُ اللَّهُ

سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا

وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ

سُوءُ الْعَذَابِ

النَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا

غُدُوًّا وَعَشِيًّا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

ادْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ

أَشَدَّ الْعَذَابِ

شابه زمانی دنیا و برزخ

قیامت

برزخ در کلام امام صادق:

جایگاه برزخی عمل: (عمل انسان همراه همیشگی اوست و تا قیامت با او می ماند).

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخصی بر او ظاهر می شود و

به او می گوید: ای فلان، ما در دنیا سه چیز بودیم: رزق تو که با پایان یافتن مهلت تو قطع شد و اینک

همراه تو نیست خانواده ات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم که با تو می مانم. آگاه

باش (فعالیت آگاهانه انسان در برزخ) که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبک تر

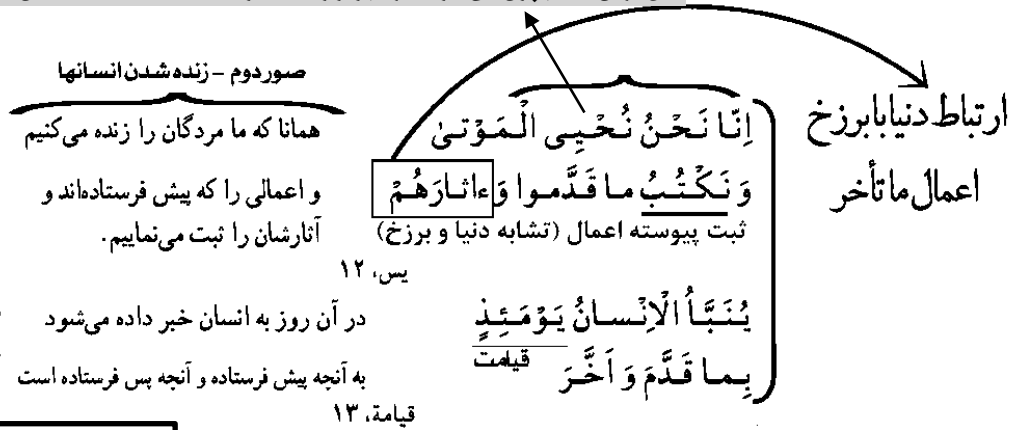
بودم.

4) ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ نیز هم چنان برقرار است، بدین معنا که پرونده ی اعمال انسان ها با مرگ بسته نمی شود و پیوسته بر آن افزوده می گردد. همان گونه که قرآن کریم می فرماید، اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می ماند. آثاری را که بعد از مرگ از اعمال انسان بر جا می ماند **ما تاخر** می نامند یعنی با این که فرد از دنیا رفته، پرونده ی عملش همچنان **گشوده** است و آثار عمل در آن ثبت می گردد. همچنین به اعمال و آثاری که پیش از مرگ، در پرونده اعمال فرد ثبت شده است **ما تقدم** می گویند.

مثال: ما تاخر: از ریشه ی آخر + آثار ما تقدم: از ریشه قدم

کسی مسجدی می سازد تا مردم در آن خدا را عبادت کنند و وظایف اجتماعی خود را انجام دهند، تا وقتی که این فرد زنده است، به خاطر هر کار خیری که در مسجد صورت می گیرد، به او پاداش می دهند. این پاداش، مربوط به مسجد ساختن و آثار ما تقدم آن است. پس از مرگ او نیز تا زمانی که از مسجد استفاده می کنند، در پرونده ی عمل او پاداش می نویسند و بر حسنات او می افزایند. این افزایش حسنات نیز مربوط به آثار ما تاخر است.

طبق درس ششم چون حی + موت داریم و اولویت با موت است همیشه اثبات امکان معاد طبق رستاخیز در طبیعت



برزخ در کلام پیامبر:

هر کس **سنت و روش نیکی** را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می گذارند، بدون این که از اجر انجام دهنده ی آن کم کنند و هر کس **سنت زشتی** را در بین مردم باب کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می گذارند، بدون این که از گناه عامل آن کم کنند. پیام: برخورداری انسان از آثار بخشی از اعمال خود در دنیا پس از مرگ

برزخ در کلام امام صادق:

شش چیز است که مؤمن، بعد از مرگ نیز از آن ها بهره مند می شود:

- فرزند صالحی که برای او طلب مغفرت کند،
- کتاب قرآنی که از آن قرانت شود،
- چاه آبی که حفر کرده و به مردم آب می دهد،
- درختی که کاشته است،
- آبی که برای خیرات جاری کرده
- و روش پسندیده ای که بنا نهاده و دیگران پس از وی، آن را ادامه می دهند.

رمز: کف چادر آبی که برای خیرات جاری کرده واسمون باقی میمونه!

پاشنه آشیل همه کنکوری ها در ترکیب آیات درس هفتم (برزخ) با آیات درس نهم (قیامت)

رمز های تعیین کننده برای تشخیص و تفکیک آیات برزخ از قیامت:

قیامت **ق** **ی** **ر**

ق: قالوا بلی یومئذ: یومئذ ر: رُسُل

برزخی **ت** **م**

ت: توفی م: ماوا-مستضعفین

سلام علیکم: برزخ

سلام علیکم طبتم: قیامت (پاک شدید)

سوء العذاب: برزخ

اشد العذاب: قیامت

انسانی که به جهنم برزخی می رود می گوید: خدایا منو برگردون!

انسانی که به جهنم قیامتی می رود می گوید: خدایا منو بیرون ببر!

جهنم برزخی: ظالمین

جهنم رستاخیزی: کافرین

بهشت برزخی: طیبین

بهشت رستاخیزی: متقین

مگر زمین خدا وسیع نبود؟ برزخ

مگر پیامبری نیامد برای شما؟ قیامت

نکته: هرگاه آیه ای در ارتباط با مرگ بود و در آن از ریشه قال آمده بود همیشه: آگاهی و شعور

انسان پس از مرگ

یادداشت های درس هفتم:

...

فصل سوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم

درس ۱۰ دینی دوم (اعتماد بر او)

أليس الله بكاف عبده آیا خدا برای بنده اش کافی نیست؟

مبنای توکل بر خدا چیست؟ کاف (کفایت او برای بندگان)

رابطه ی میان ... و مستقیم می باشد. (توکل - عبودیت و بندگی)

نکات مقدمه و تیپ تست های (مقدمه):

- ۱) سرنوشت ابدی انسان ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود.
- ۲) سنجش ۹۱: پاداش و کیفر اخروی (ابدی) ساخته ای (اعمال-رفتار-اهداف) ماست که قران کریم خطاب به کسانی که زر و سیم اندوختند و در راه خدا انفاق نمی کنند می فرماید: (و هر کس به اندازه ای بدی کند آن را می بیند پس آنچه می اندوختید را بچشید.)
- ۳) سرنوشت ابدی انسان ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود

پس لازم است: (می دهد) (قبل می دهد = علت) (بعد می دهد = معلول)

۱) بار دیگر با خدای خود تجدید عهد کنیم. (تجدید عهد با خدا)

۲) تصمیم بگیریم راه زندگی را محکم تر و مطمئن تر از گذشته بپیماییم. (تصمیم پیمودن مصمم راه زندگی)

۳) عوامل تقویت کننده عزم را به یاد داشته باشیم و به کار بیندیم. (مثال: توکل)

درس یک سال سوم: نیاز برتر سوم انسان همان: کشف راه درست زندگی است که دغدغه اصلی انسان های فکور و خردمند است. مرتبط با دو نیاز برتر قبلی است یعنی ۱: درک هدف زندگی و ۲: درک آینده ی خویش / دلیل اهمیت این نیاز: تنها یک بار به دنیا آمدن و تنها یک بار زندگی در دنیا را تجربه کردن / عدم انتخاب راه درست زندگی می دهد: ۱) عدم دست یابی به هدف برتر خلقت ۲) خسران (زیان) در جهان آخرت ۳) عدم تنظیم مناسب زندگی دنیوی ۴) عدم به وجود آمدن جامعه ای عادلانه (خسران دنیوی و اخروی هر دو باهم) / ارتباط با آیه ی اهدنا الصراط المستقیم... غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین (پیام: درخواست هدایت الهی و کشف راه درست زندگی توسط انسان (اهدنا) + خروج از صراط مستقیم می دهد: ورود انسان به گمراهی و قرار گرفتن در خشم الهی

سوپر تست احتمالی (طراح استاد غفوری): (جاهای خالی را پر کنید)

درخواست از خداوند معلول است که آیه ترسیم کننده پیام مورد دوم می باشد. پاسخ: هر ۵ مورد از موارد زیر بدرستی تکمیل می کنند.

- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - قبل ادخلو ابواب جهنم خالدین فیه
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - و لكن حقت كلمه العذاب علی الكافرین
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - طبعتم فادخلوها خالدین
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث یشاء
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - فمن يعمل مثقال ذره خیرا/شرا یرة

حقیقت توکل بر خداوند: ارتباط دارد با: الیس الله بکاف عبده + **حسبی الله** + **کفایت** و بس بودن خدا برای انسان متوکل

۱. توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن **نتیجه** ی کارها به اوست.

۲. انسان متوکل خداوند را تکیه گاه مطمئن خود می یابد و **در عین عمل** به وظایف، **امورش** را به او واگذار می کند.

۳. انسان متوکل می داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به **مصلحت** اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد (معلول) زیرا خدای **حکیمی (حق)** که جهان را **تدبیر (توحید ربوبیت) و اداره (توحید ربوبیت)** می کند از هر کس نسبت به ما **مهربان تر (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)** است (علت).

ترکیب و جمع بندی خفن:

ان فی خلق سماوات و ارض و اختلاف لیل و نهار لایات لاولی الباب الذین...رینا ما خلقت هذا **باطلاً**.... سبحانک فقنا عذاب النار خلق الله سماوات و ارض **بالحق** ان فی ذلک لایه للمومنین آثار صنع و نشانه های **حکمتش** در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویداست. هر یک از موجوداتی که خدا آفریده **برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست** (ان فی خلق سماوات و ارض...) حتی اگر آن موجود جامد و بی زبان باشد چرا که آن هم با زبان بی زبانی خالق خود را معرفی می کند و **تدبیر (توحید ربوبیت)** خدا را باز می گوید. ما خلقنا سماوات و ارض و ما بینهما الا **بالحق** و اجل مسمی و الذین کفروا عما اندروا معرضون خلق سماوات و ارض **بالحق** و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر و من آیاته ...

تکنیک حفظ آیات حق دار

خلق **الله** ... حق ... آیات للمومنین
خلق حق ... فاحسن صورکم الیه مصیر
ما خلقنا... الا حق.. اجل مسمی+کفروا+معرضون
و خلق...حق..... **و** لتجزی کل نفس بما کسبت و لا یظلمون

و خلق الله سماوات و ارض **بالحق** و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون افحسبتم انما خلقناکم **عبثاً** و انکم الینا لا ترجعون و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما **باطلاً** ذلک ذن الذین کفروا من النار و قضی بینهم **بالحق** و هم لا یظلمون والوزن یومئذ **الحق**

می دهد

انسان متوکل می داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به **مصلحت** اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد.

۴. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان **آرامش** می دهد و به آینده **امیدوار** می کند.

اولین پیامد دیدگاه پیامبران الهی در مورد معاد: اولین پیامد این نگرش، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن **پنجره ی امید** و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر است و از کار خود لذت می برد. او با تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می کوشد و می داند که هر چه بیش تر به دیگران خدمت کند، آخرت او زیباتر خواهد بود مثال: حضرت علی و کار در نخلستان و حفر چاه و وقف چاه برای مردم.

۵. حضرت علی در یکی از دعا‌های خویش می گوید:

خداوندا تو با آنان که به تو بیش تر عشق می ورزند، بیش از دیگران انس می گیری (انسان متوکل لیاقت بیشتری برای بهره مندی از امداد های خداوند دارد).
و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می کنند از خودشان آماده تری، (انسان متوکل لیاقت بیشتری برای بهره مندی از امداد های خداوند دارد).

اسرار ایشان را می دانی و بر اندیشه هایشان آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی. (و کافی به بذنوب عباد خبیـرا)

رازهایشان نزد تو آشکار و دل هایشان در حسرت دیدار تو داغدار.

اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد (تنهایی انسان نقطه ی مقابل یاد خداست و یاد خداوند انسان ها را از وحشت تنهایی نجات می دهد).

و اگر مصیبت ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند (استعاذه و پناه بردن به خداوند)، چون می دانند سر رشته ی کارها به دست توست (توحید ربوبیت) (چرا انسان های توکل کننده به خداوند در هنگام مصیبت روی به درگاه خداوند دارند؟ چون) (فلسفه ی توکل بر خداوند اعتقاد به توحید ربوبیت است)

تصمیم و توکل (رابطه مستقیم دارند):

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم های بزرگ است (معلول) زیرا هرچه عمر می گذرد و قوای انسان به سستی می گراید، توان انسان برای تصمیم های بزرگ نیز کاهش می یابد (علت).

۴ ویژگی جوان و نوجوان که نشان می دهد در نوجوانی و جوانی نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می شود:

۱) معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی هاست .

۲) شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است.

۳) مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد

۴) او می تواند آرمان های بزرگ داشته باشد، آرمان هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.

سوپر نکته خفن غفوری:

و ما هذه الحياه الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الاخره لهي الحيوان لو كانوا يعلمون (پیام: بیانگر دیدگاه پیروان ادیان در مورد حقیقت دنیا و جهان آخرت که دنیا بازیچه و سرگرمی و سرای عمل است در حالی که آخرت محل زندگی واقعی و سرای پاداش است و جهان آخرت به عنوان پاسخگوی میل به جاودانگی انسان است) ارتباط دارد با:

(جوان و نوجوان) می تواند آرمان های بزرگ داشته باشد، آرمان هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن. دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی هاست.

سوپر تست تألیفی: (هر کدام از کلمات قرمز رنگ می تواند یک جای خالی در آزمون ها و کنکور سراسری باشد)

تحقق پیام آیه شریفه ی (و ما هذه الحیاه الدنیا..)) در دوران نوجوانی و جوانی **بیشتر** است و این تصور نادرست که در این دوران

زندگی نیاز شدیدتر به توکل و اعتماد بر خداوند نیست **معلول** دقت در پیام آیه شریفه ی (ان هی الا حیاتنا الدنیا) از زبان **الملا**

اشراف یعنی کسانی که **(کافر شدند و دیدار آخرت را تکذیب)** کردند.

۲ نمونه از تصمیم های بزرگ (به ویژه در نوجوانی و جوانی) :

حضرت ابراهیم:

۱) در نوجوانی **مقاومت** در برابر خواسته های سرپرست و عموی خود (آزر) که او را دعوت به **بت پرستی** نمود.

۲) پس از آن در سنین بالاتر اقدام به **بت شکنی** نمود.

۳) **بنای کعبه**

۴) در اواخر عمر از امتحان الهی مبنی بر **قربانی کردن** فرزندش سربلند بیرون آمد.

حضرت امام علی (ع):

۱) در سن ۱۰ سالگی تصمیمات بسیار سنگین و سختی در مقابل **هجوم قریش و معاندین** پیامبر گرفتند.

۲) به عنوان **اولین مرد مسلمان** به پیامبر ایمان آورد و در همه شرایط یار ایشان بود تا جایی که در سن ۲۳ سالگی با **خوابیدن**

در بستر پیامبر فداکاری نمود و **توطئه** کسانی که قصد جان آن حضرت را داشتند **خنثی** نمود.

۳) **جنگ** های پی در پی **همراه** با پیامبر بودند.

۴) پس از رحلت پیامبر به قصد **حفظ اسلام سکوت** کردند و **خلافت** را در دوران پر از فتنه **قبول** نمودند.

بررسی ۳ آیه درس:

حقیقت توکل:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ

لِنتَّ لَهُمْ

گرو **وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا**

غَلِيظَ الْقَلْبِ] تحقق

لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ

(ای پیامبر) به (برکت) رحمت الهی (علت)

در برابر آنان نرم و مهربان شدی (معلول)

اگر درشت خو بودی

سنگدل

از اطرافت پراکنده می شوند

۱- فَاَعْفُ عَنْهُمْ (دلسوزی رهبر) توکل وقتی درست است که

۲- وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ (آموزش) انسان وظیفه و مسئولیت خود

۳- وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (مشورت) را انجام داده باشد:

۴- فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ قاطعیت همراه با توکل ..

..... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

بیانگر توحید عبادی

آل عمران، ۱۵۹ ← حدیث سریار بیت جبار

نکات آیه لنت لهم: (عنوان کامل آیه: بما رحمت من الله می دهد لنت لهم تهشم خدا متوکلین رو دوست داره)
ارتباط آیه با: (نکته دوم توکل)



توکل در جایی درست است که انسان **مسئولیت** و **وظیفه** ی خود را به خوبی انجام دهد،
یعنی (۱) **فکر و اندیشه** ی خود را به کار گیرد، با دیگران (۲) **مشورت** کند، بهترین راه ممکن را (۳) **انتخاب** نماید و با
(۴) **عزم و اراده** ی محکم برای رسیدن به مقصود (۵) **تلاش** کند. در این صورت است که می توان بر خدا توکل
کرد. زیرا توکل، جانشین تبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است

که اهل **همت، تعقل و پشتکار** است. (اهل تپه باشد)

ارتباط با دیدگاه پیامبر **سربار**:

توکل کننده بدون عمل **سربار** دیگران است.

ارتباط با بیت **جبار**:

گر **توکل** می کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر **جبار** کن

ارتباط با:

توکل کننده ای که **اهل معرفت** باشد، می داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و
خواسته هایش، از **ابزار و اسباب** بهره جوید. زیرا این ابزار و اسباب بنا بر **حکمت** الهی قرار داده شده
و بی توجهی به آن ها، بی توجهی به **حکمت و علم الهی** است.

اگر در تستی پرسند: برای رسیدن به تصمیم بهتر باید چه کنیم؟ ج: مشورت (و شاورهم ...)

اگر در تستی پرسند: عامل تفرقه و پراکندگی افراد از یکدیگر و رهبر خویش چیست؟ ج: درشت خویی

اگر در تستی پرسند: کدام قسمت آیه نشان دهنده رابطه احساس مسئولیت و توکل است؟ ج: و شاورهم فی...

بیانگر توحید عبادی

آیه دوم:

علت و مبنای توکل:

«چرا باید به خدا توکل کرد؟» وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ

وَكُفَىٰ بِهِ

بِدُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

فرقان، ۵۸

نکات خاص آیه:

(۱) در این آیه از پیامبر خواسته شده که به خدا توکل کند چرا؟ چون الف) زنده است و نمی میرد یعنی حضور همیشگی دارد و ب) او
بر کار بندگان خود خبیر و آگاه است و علم خداوند کفایت دارد بر همه چیز از جمله گناهان بندگان

۲) لازمه ی توکل بر خداوند چیست؟ او را حی و حاضر دانستن است.

۳) قرآن کریم پس از آن که خدا را حی و حاضر و زنده اعلام می کند از پیامبر چه چیزی می خواهد؟ این که به تسبیح یا منزه شمردن خدا از هر عیبی و حمد چنین خدای بلند مرتبه ای بپردازد.

۴) کسی که بر خداوند توکل می کند باید ۳ مورد زیر را رعایت کند (داشته باشد):

✚ حیات را صفت ذات خدا بداند (الحی الذی لا یموت)

✚ زبان به حمد و تسبیح و تنزیه خدا بگشاید (سبح بحمده)

✚ خود را در محضر خدا بیابد (کفی به ذنوب عباده خیبراً)

۵) تناسب مستقیم میان ((علم انسان بر حاضر و آگاه بودن خداوند بر همه چیز)) و ((توکل و اعتماد او بر خداوند)) وجود دارد.

۶) ((کفی به ذنوب... خیبراً)) ارتباط با آیه: ((انه خیبر بما تفعلون)) و آیه: ((و هو علی کل شیء شهید)) = کل عالم وجود محضر خداوند است.

۷) ارتباط با نکته اول توکل: (توکل امری قلبی)

توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله ی ((خدایا، بر تو توکل می کنم)) نیست بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. خداوند آینده هایی را می بیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا

اموری را به ضرر خود می دانیم در حالی که به نفع ماست. بنابراین شایسته است که با **اخلاص** بر خدا **اعتماد** کنیم + ارتباط با حدیث امام صادق (هر بنده ای از بندگانم **نیت خالص** به جای پناه بردن به کسی... چاره جویی...)

۸) مطابق نکته ۸ که بر اخلاص در توکل تاکید شده و چون اخلاص معنای دیگری از توحید عبادی است بنابراین:

توکل ناظر بر توحید عبادی است.

۹) اگر پیرسند چرا باید بر خدا توکل کرد باید دو ویژگی خدا در این آیه یعنی: الف) زنده است و نمی میرد یعنی

حضور همیشگی دارد و ب) او بر کار بندگان خود خیبر و آگاه است و علم خداوند کفایت دارد بر همه چیز از جمله

گناهان بندگان؛ را بیان کنیم به همراه یک ویژگی دیگر خداوند که در آیه ۳۸ زمر (آیه بعدی که بررسی می کنیم)

آمده است یعنی: ((تمام قدرت ها در اختیار خداست و تنها اوست که می تواند بدی ها را از ما دور کند و تنها

اوست که نعمت ها را به ما می رساند و هیچ مانعی در مقابل او نیست)) را بیان کنیم.

۱۰) اگر پیرسند چرا بر غیر خدا نمی توان توکل کرد؟ (اختصاص توکل به خدا) در این صورت حق نداریم از این آیه

برای پاسخ گویی بهره. (باید از ۳۸ زمر بهره بگیرد)

آیه سوم:

علت اختصاصی توکل: **وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ** ← **مشرکین** ^{فرقان، ۵۸}
 «چرا نباید به غیر خدا توکل کرد؟»
 **مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ**
 **لَيَقُولَنَّ اللَّهُ**
قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ
 **مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ**
 **إِن أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ**
هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ **أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ**
هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ
 **قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ** → قبول کفایت الهی ← **توکل**
 **عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ** ^{زمر، ۳۸}

حاکمیت اراده و مشیت الهی بر جهان
 رُبوبيت
 توحید ربوبیت
 اگر خدا خواهد که به من گزندی رسد
 آیا آنان دورکننده‌ی گزند او هستند؟
 یا اگر رحمتی برای من خواهد
 آیا آنان بازدارنده‌ی رحمت او هستند؟

نکات خاص آیه:

- اعلام خالقیت پروردگار توسط مشرکان (اعتراف به توحید خالقیت)
- پس از اعلام خالقیت خداوند، بیان می‌کند که بر غیر خدا و بت‌ها نمی‌توان توکل کرد (قل افرایتم ما تدعون من دون الله)

چرا؟ به دو دلیل:

- چون نه خالقیت از آنهاست.
- و نه ربوبیت از آنهاست چون قدرت بر سود و زیانی ندارند.

نتیجه‌گیری نکته دوم:

اختصاص توکل بر خدا و لزوم عدم توکل بر غیر خدا

۳) با توجه به ((قل حسبی الله علیه يتوکل المتوکلون)) درمی‌یابیم: **لزوم قبول انحصار کفایت و بس بودن خداوند** برای متوکلان.

۴) با توجه به ((ان ارادنی الله یضر...)) درمی‌یابیم: **حکم و اراده‌ی الهی** یعنی توحید ربوبیت و **قضای الهی**.

۵) ارتباط ((هل هن کاشفات ضره)) با این قسمت از حدیث امام صادق: ((گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هرچه در آن‌هاست، **علیه** او برخیزند)) نشان‌دهنده قدرت و **اراده‌ی الهی** که بر همه مخلوقات غلبه دارد.

فصل سوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم

درس ۱۱ دینی دوم (دوستی با حق)

مقدمه و تیپ تست مقدمه:

آفرینش با **رحمت** و **محبت** آغاز شد.

خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند و فرمود:

رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (رحمت **عام** خداوند و گستره **وسیع** آن)

رحمت هر چیزی را فراگرفته است

خدا با همین اسم **رحمان** (نه رحیم) آدمیان را آفرید و به **سعادت** و **کمال** راهنمایی کرد.

گروهی به خدا **دل سپردند** و راه اطاعت پیمودند و برخی **محبت** و رحمتش را از یاد بردند و راه **سرپیچی** پیش گرفتند. خداوند درهای

بازگشت (توبه) را به **رویشان** گشود و **یاد** خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به **سویش** رو کنند. بدین گونه اسم **غفار** خود را به نمایش

گذاشت.

بیت مقدمه:

آفرینش با **رحمت** و **محبت** آغاز شد.

زمانه طرح **محبت** نه این زمان انداخت

پیام بیت: محبت و الفت بر آفرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را بر اساس محبت بنا نموده است. (رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ)

نکات ترکیبی مقدمه با درس ۷ دینی پیش دانشگاهی (توبه):

توبه: برای بندگان: به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری خداوند

برای خداوند: به معنای بازگشت خدا از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آموزش توبه ی خدا از روی **لطف و کرم** او و برای **بخشیدن** انسان است.

نکته ۱: غفاریت ریشه در رحمانیت دارد تقدم رحمانیت بر غفاریت.

نکته ۲: خداوند با نام غفار، با باز گذاشتن درهای بازگشت برای گناهکاران خود به سوی آنها رفت و یاد خود را در دلشان انداخت. (متن درس توبه)

نکته ۳: توبه پاک کردن گناهان (پیرایش و تخلیه) است یعنی: خارج کردن گناهان از قلب + شستشو دادن قلب

نکته ۴: راه های شناخت آیات و احادیث توبه :

اولش ال نداره، آخرش غفور رحیم داره

If آیه:

اولش ال داره، آخرش غفور رحیم نداره

نکته ۵: توبه + جبران تاب + اصلح **نتیجه** یتوب (خدا می بخشد)

توبه + ایمان و عمل صالح..... تاب + آمن + عمل صالحاً **نتیجه** یدل الله سیئاتهم حسنات

نکته ۶: طبق ((او بظلم نفسه ثم)) در آیه شریفه ((ومن يعمل سوءاً أو یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یدل الله غفورا رحیماً))؛ با گناه حق خود عالی

در رسیدن به کمال ضایع می شود، و طبق متن مقدمه این درس ((و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند)) می

توان نتیجه گرفت: از یاد بردن محبت و رحمت و صفت رحمانیت خدا توسط انسان و در پیش گرفتن راه سرپیچی، باعث ضایع گشتن حق

خود عالی در رسیدن به کمال می شود.

نکته ۷: **قیام (نفس لوامه)** و انقلاب درونی انسان علیه **خود (نفس اماره)** را توبه می نامند (بیانگر وجود اختیار در انسان).

تست مقدمه (احتمالی ۹۹):

اگر از خود بیرسیم (بزرگترین عشق و محبتی که باید قلب ما را فرا بگیرد عشق به کیست؟) و (این عشق چه ثمرات و نتایج دارد؟) به

ترتیب پیام کدام آیات پاسخ به این سوالات خواهد بود؟

پاسخ قسمت اول: (و من الناس من یتخذ من دون الله...والذین ءامنوا اشد حبا لله)

پاسخ قسمت دوم: (قل ان کنتم تحبون فاتبعونی...غفور رحیم) (لاتجد قوماً یؤمنون بالله...یوادون) (قد کانت لکم اسوه حسنه ... انا براءء منکم و مما...)

تحلیل آیات درس + سوالات تحلیلی آیات:

سوال ۱) مردم بر دو دسته اند: گروهی که **محب و دوست خدا هستند و خدا را دوست دارند.**

گروهی چیزهای دیگر را همتای خدا می گیرند و به غیر او دل می بندند و به آنها دوستی می ورزند حال این غیر می تواند انسان یا شیطان و یا مال و جاه و شهوت باشد که شیطان مردم غافل را به سوی آن ها وسوسه می کند.

آیه:

و بعضی از مردم

خطای مشرکین

همتایانی به جای خدا می گیرند
آن ها را دوست می دارند مانند دوستی خدا

ویرگی مؤمنان

اما کسانی که ایمان آورده اند
به خدا محبت بیشتری دارند.

بقره، ۱۶۵

محبت به حق

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ
مِن دُونِ اللَّهِ
أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
مُشْرِكٌ

وَالَّذِينَ آمَنُوا
أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ
مُؤْمِنٌ

۱۷ نکته و تمرین خاص آیه:

۱) انسان ها در دوستی خود دو دسته اند:

الف) گروهی که به جای خدا، غیر خدا را دوست دارند و مانند خدا به آن ها عشق می ورزند.

ب) گروهی که محب و دوست دار خداوند اند، که این عشق و محبت به خدا ثمره (معلول-میوه-نتیجه) تبلور ایمان در آن هاست.

۲) عشق و علاقه ی افراد با ایمان نسبت به خدا از عشق و علاقه ی بت پرستان نسبت به معبودشان بیشتر و عمیق تر است.

۳) بیانگر بعد (آری) در تولی (دوستی با خدا) است.

۴) (من یتخذ من دون الله) بیانگر شرک است زیرا خداوند یگانه و بی همتاست بنابراین کسی که برای او شریک بگیرد به شرک دچار شده است. (شرک در عبادت)

۵) مرتبط با این قسمت از مقدمه درس:

* گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند.*

((که تاریخ سرگذشت مقابله ی این دو گروه بوده است مثال: مقابله ی ابراهیم با نمروود، موسی با فرعون، عیسی با حاکم مشرک روم و کاهنان یهود و پیامبر گرامی اسلام با مشرکان حجاز))

۶) عشق و محبت مومنان به خداوند برترین نوع عشق ورزی است.

۷) رابطه مستقیم میان ایمان به خداوند و محبت به او

۸) غیر مومنان به بت های خود اندازه ی خدا عشق می ورزند.

۹) محبت خداوند، اساس دین داری است.

۱۰) متن کتاب درسی:

((اگر به مجموعه ی این پیام ها نگاه دیگری کنیم، می بینیم که قرآن کریم از رویارویی و تقابل دو گروه سخن می گوید: گروهی که زندگی خود را بر محور حب و عشق به خداوند بنا کرده اند و گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبت غیر او را برگزیده اند. گویا تاریخ، سرگذشت مقابله ی این دو جریان بوده است))

۱۱) برای بررسی ریشه ای علت این ۳ سوال :

(راستی، ریشه ی این مقابله چیست؟) (آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟) (هر کدام از ما خود را در کدام جبهه می یابد؟)

باید از ۲ مورد کمک بگیریم:

الف) به نقش محبت و عشق در زندگی انسان بپردازیم؛

ب) و تأثیر آن را در تصمیم گیری های فردی و اجتماعی افراد بررسی کنیم.

۱۲) در تست های خفن از شما می خواهند:

تست: توجه به نقش محبت و عشق در زندگی انسان و تاثیر آن بر تصمیم گیری های فردی و اجتماعی او ...

الف) در پاسخ به کدام سوال کمک کننده است؟

ج: (راستی، ریشه ی این مقابله چیست؟) (آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟) (هر کدام از ما خود را در کدام جبهه می یابد؟)

ب) و پیام کدام آیه شریفه سبب طرح این سوال شده است؟

ج: (و من الناس من يتخذ من دون الله...والذين آمنوا اشد حبا لله)

(قل ان كنتم تحبون فاتبعوني...غفور رحيم)

(لا تجد قوماً يؤمنون بالله...يؤادون)

(قد كانت لكم اسوه حسنه ... انا براءء منكم و مما...)

۱۳) مرتبط با تیترا ((محبت به حق))

۱۴) مرتبط با متن درس:

اگر (بعد از اگر = علت) عشق و محبت انسان از این امور محدود فراتر رود (علت ۱) و دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها سپارد (علت ۲)،

این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند (معلول). سرگذشت دوستان خدا این گونه است.

آن کس که:

۱) به خدا ایمان دارد (شرط اول ایمان)

۲) محبت او را در قلب خود جای داده است، (شرط دوم محبت قلبی به خداوند)

۳) به میزانی که ایمانش اوج می گیرد (شرط سوم تعالی ایمان)

۴) محبتش فزون تر و عمیق تر می شود (شرط چهارم افزون شدن و تعمق (عمق بخشی) محبت به خدا)

آنگاه:

احساس حیاتی دوباره می کند (معلول ۱) و شور و شوقی فرح بخش وجودش را فرا می گیرد (معلول ۲).

۱۵) **مشتاقان عشق الهی** یعنی کسانی که به خدا ایمان دارند و ایمانشان اوج گرفته و به خدا محبت قلبی دارند و این محبت عمیق

و رو به فزون است بدلیل احساس حیات دوباره و فراگرفتن وجودشان از شور و شوقی فرحش بخش، ندا سر داده اند:

مؤمن **وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ**

در آن سینه دلی و آن دل همه **سوز**

دلی در وی، درون **درد** و برون **درد**

دل افسرده غیر از آب و گل نیست

الهی سینه ای ده **آتش افروز**

کرامت کن درونی **درد** پرورد

هر آن دل را که **سوزی** نیست دل نیست

۱۶) ارتباط با متن درس:

آثار محبت به حق:

افسردگی، خمودی، ترس و جبن را **از بین می برد.**

و نشاط، تحرک، شجاعت و قدرت **می بخشد.**

سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را **بخشنده**، کم طاقت و ناشکیبا را **متحمل** و شکیبیا می کند.

آدمی را از خودخواهی و نفع پرستی **بیرون آورده** و به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. (پیامد دوم دیدگاه پیامبران در مورد معاد)

همت و اراده را **قوی**، غل و غش ها را **پاک** و اندیشه را **خلاق**.

خلاصه:

عشق به خدا چون **اکسیری** است که مرده را **حیات** می بخشد و زندگی **حقیقی** به وی عطا می کند.

(۱۷) تمرین:

اگر بگوییم: الف) آنگاه پیام آیه شریفه ب)..... را آشکار ساخته ایم و آنگاه که ج) ندا سر می دهند: (الهی سینه ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز) اشاره دارد به تناسب میان د)

پاسخ:

الف) افسردگی، خمودی، ترس و جبن را از بین می برد.

و نشاط، تحرک، شجاعت و قدرت می بخشد.

سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت و ناشکیبا را متحمل و شکیبی می کند.

آدمی را از خودخواهی و نفع پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. (پیامد دوم دیدگاه پیامبران در مورد معاد)

همت و اراده را قوی، غل و غش ها را پاک و اندیشه را خلاق.

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند.

ب) (و من الناس من يتخذ من دون الله أندادا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد حبا لله)

ج) مشتاقان عشق الهی

د) ایمان و محبت به حق

نقش محبت:

۱ محبت و دوستی سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است.

۲ فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در دل بستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت هاست که به زندگی آدم ها جهت می بخشد.

۳ هر قدر این محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است. (تناسب میان عمق محبت و تأثیر آن در زندگی که مستقیم است)

مثال:

یک دختر و پسر، قبل از ازدواج، به چیزی جز خود نمی اندیشند. دنیای آن ها بر محور خود می چرخد و به کارهای خود و علاقه های شخصی خود سرگرم اند.

این دختر و پسر:

همین که کانون خانواده را تشکیل دادند و به هم دل بستند (علت)،

سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می بینند (معلول ۱)،

شعاع خواسته هایشان وسیع تر می شود (معلول ۲)

و چه بسا خواسته های همسر بر خواسته های خود تقدّم می یابد (معلول ۳).

و آن گاه که صاحب فرزند شوند (علت)،

رفتارشان به کلی عوض می شود (معلول صفر).

پسر، فردی چالاک و پرتحرک می گردد و برای رفع نیازهای زن و فرزند، راحتی را از خود می گیرد (معلول ۱)

و دختر، با صدای کودک، مانند برق می جهد و سراسیمه به سوی فرزندش می دود. همین دختر که تا دیروز کم طاقت و زود رنج جلوه می کرد، اکنون با قدرت شگرفی در مقابل بی

خوابی، گرسنگی و کار زیاد، صبور و شکیباست (معلول ۲).

محبت به فرزند (علت) سبب می شود:

از خود محوری درآید، خود را فراموش کند (معلول ۱)

و فردی ایثارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود (معلول ۲).

تمرین سرکلاسی: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

الف)..... و سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است. (محبت-دوستی)

ب) فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در و های او دارد. (دل بستگی ها-محبت ها)

ج) ... است که به زندگی آدمی جهت می بخشد. (محبت)

صحیح یا غلط بودن هر جمله را معین کنید؟

الف) وسعت بخشیدن به شعاع خواسته های زن و مرد معلول به دنیا آمدن فرزند است. غ معلول تشکیل کانون خانواده و ازدواج

ب) آن گاه که زن و مرد صاحب فرزند شوند رفتارشان از دنیایی که کاملاً بر مبنای خود می چرخد به ایثار و از خودگذشتگی عوض می شود. غ در هنگام ازدواج و تشکیل

کانون خانواده هم سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می بینند و چه بسا خواسته های همسر بر خواسته های خودشان تقدم یابد.

ج) آنگاه که زن و مرد خود را فراموش کنند و تبدیل به فردی با اراده نیرومند مصمم و پرکار شوند؛ محبت به فرزند در کنار محبت به خدا در قلبشان اوج گرفته است. غ

این خبیثی خفته باید می گفت محبت به فرزند در طول محبت به خدا قرار داره نه در کنار محبت به خدا چرا که محبت به خدا از همه محبت ها بالاتره! خدایی حال

کردی؟ به صلوات واسه شادی روح مادربزرگم بفرست. خیلی چاکریم!..

سوال ۲) لازمه ی دوستی با خداوند پیروی از دستورات اوست.

آیه:

اولین اثر «پیروی از خدا» قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ

سرسپردگی فَاتَّبِعُونِي

لازمه ی دوستی با

خدا وَيَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آیه خطاب به پیامبر (ص) است تا «شرط دوستی با خدا» آل عمران، ۳۱ «عامل بخشش گناهان» را به به مردم نشان می دهد.

سرسپردگی لازمه محبت است

سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است

ارتباط با بدیت: به جان خودم رفتاری شگفت.....

ارتباط با جدیت: ما احب الله من عصاه

ارتباط با مناجات: شیرینی دوست با تو.....

۱۱ نکته خاص آیه:

(۱) خطاب به پیامبر است.

(۲) شرط و لازمه ی دوستی خداوند چیست؟ پیروی از دستورات او و سرسپردگی در مقابل خداست.

(۳) یکی از دستورات خداوند پیروی از رسول است بنابراین پیروی از پیامبر (ص) معلول دوستی خداست.

(۴) دین فقط محبت به خدا و پیامبر نیست بلکه اطاعت نیز لازم است.

(۵) نتیجه اطاعت پیامبر این که:

الف) جلب محبت خدا

ب) آمرزش گناهان

(۶) محبت انسان به خدا و پیروی از او محبت خدا به انسان و آمرزش را در پی دارد.

(۷) فاتبعونی بیانگر توحید عبادی

(۸) ارتباط با تبتیر ((پیروی از خداوند)) از آثار محبت به خدا

(۹) ارتباط با متن درس:

نمی شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است.

شعر منسوب به امام صادق:

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟ (استفهام انکاری)

به جان خودم این رفتاری شگفت است.

اگر دوستی ات راستین (علت) بود، اطاعتش (معلول) می کردی؛

زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.

برخی می گویند:

(۱) قلب انسان با خدا باشد، کافی است

(۲) و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد،

(۳) اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آن چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است.

این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست.

خداوند می فرماید:

(۱) اگر مرا دوست دارید (علت ۱)

(۲) و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته، (علت ۲)

شایسته است از دستورات من پیروی کنید (معلول). چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه ی قلبی کند اما برخلاف خواسته ی او عمل نماید؟

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَا أَحَبَّ إِلَيَّ مَنْ عَصَاهُ كَسِيَّ كَمَا كَسَى الْخَيْلُ حَبْلَهَا، أَوْ رَأَى دُوسْتًا نَدَارًا (معلول).

خواستگی و فرمان خداوند، یعنی **دین** همان برنامه ی سعادت و راه رستگاری و کمال ماست.

خداوند نیازی ندارد تا به ما فرمان دهد و نیازش را برطرف کند. خداوند، در فرمان هایش فقط و فقط به **مصلحت** ما نظر دارد. مانند دوست ریاکاری نیست که فقط به خواسته ی **دل** ما توجه کند. او ناصحانه به ما هشدار می دهد که چه بسیار چیزهایی که شما خوشتان می آید ولی به **ضرر** شماست و چه بسیار چیزهایی که بدتان می آید اما به **نفع** شماست. حتی اگر احساس کنیم برخی دستورهایی خداوند سخت است، باید **مطمئن باشیم** که این دستور برای **سعادت** ما **ضروری** است.

باید بگذاریم عشق به سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، آن گاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد. (جوانه زدن عشق

به سعادت حقیقی در دل انسان می دهد آسان شدن هر سختی بر انسان)

امام **سجاد** در ابتدای یکی از مناجات های خود، به **خدا**:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

خدایا! کیست که **شیرینی دوستی** با تو را چشیده باشد و غیر تو را طلب کند؟ (استفهام انکاری) (شیرینی دوستی با خداوند می دهد غیر او را طلب نکردن)

(ای **آرزوی دل مشتاقان**) مشتاقان عشق الهی: الهی سینه ای ده... وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ

(و ای **نهایت آرمان دوستان**) اگر عشق و محبت انسان از این امور محدود فراتر رود و دل به **سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها** سپارد...

(**دوستی** تو را از تو می خواهم) **الهی** سینه ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز ■ دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها (خدا) سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند.

(**دوستی هر که** تو را دوست دارد) وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل **محبت** همه ی کسانی را که **رنگ و نشانی** از او دارند، در خود می یابد دوستی با دوستان خدا

(و دوستی **هر کاری** که مرا به تو **نزدیک** می کند). چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه ی قلبی کند اما برخلاف خواسته ی او **عمل** نماید؟

جمع بندی مهم همه متن درس پیروی از خداوند: (در آیات هر گاه از ریشه ((حب)) دیدی همراه با از ریشه ((تبع))

سرپیچی/عدم صداقت دوستی/شعر امام صادق: نافرمانی و اظهار دوستی؟.../خدا: اگر دوست میدارید اطاعت کنید/حدیث امام صادق: عصا و نافرمان خدا را ما احب! (دوست نداره!)/جوانه زدن عشق میده آسان شدن هر سختی/امام سجاد: شیرینی دوستی و طلب غیر خدا؟ نوچ نوچ!

۱۰) عامل اثبات کننده محبت به خدا اطاعت از پیامبر است.

۱۱) توبه خداوند و آمرزش گناهان انسان در گرو دوست داشتن خداوند و تبعیت از او (ترکیب با درس ۷ پیش)

دوستی با دوستان خدا:

وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه ی کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می یابد و به مقداری که این **رنگ و نشان** بیش تر و قوی تر باشد، **علاقه و محبت** نیز فزون تر می شود. در منظومه ی عاشقان و دوستان الهی که برگرد کعبه وجود او حلقه زده اند، **نزدیک ترین آن ها، رسول خدا و اهل بیت ایشان هستند که مظهر تمام و کمال حق و جلوه ی زیبایی های اویند هر کس این خانواده را بشناسد و با فضائل اخلاقی آنان آشنا گردد، عشق به آنان را در خود می یابد.**

تذکر: هرگونه کپی برداری و استفاده از متن جزوه بدون اجازه مولف حرام است و شما به

مولف جزوه که ساعتها برای تدوین این جزوه زحمت کشیده مدیون خواهید بود

سوال ۴) حضرت ابراهیم و کسانی که به او اقتدا می کنند، همواره از کسانی که **دشمنان خدا هستند و بت** می پرستند و از آن چه می **پرستند** بیزاری می جویند و اعلام **برائت** می کنند.

سوال ۵) میان کسانی که با خدا دوستی می ورزند و کسانی که دشمنان خدا هستند، برای همیشه رابطه **دشمنی** برقرار است، مگر آن که آنان از دشمنی با خدا دست بردارند.

آیه:

«مبارزه با دشمنان خدا»

امه پیامبر اسلام

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

همانا که برای شما نمونه‌ی نیکویی بود

معلول (مقام الگویی ابراهیمی)

فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ

در روش ابراهیم و همراهان او

علت (برائت از)

إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ

آن‌گاه که به قوم خود گفتند

مشرکین و معبودان آنها)

إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ

به حقیقت که ما از شما بیزاریم (ابراز بیزاری در واقع مبارزه است)

وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و از آن چه جز خدا می پرستید

كَفَرْنَا بِكُمْ

نسبت به شما کافریم

وَبَدَائِبِنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ

و پدید آمده میان ما و شما دشمنی

وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا

و کینه برای همیشه

ایمان یگانه عامل

سِحِّتِي تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَّهُ

مگر اینکه به خدای یگانه ایمان آورید.

مستحنه، ۴

برقراری صحبت است

توصیف ابراهیم از رابطه با اقوام

۱۴ نکته خاص آیه:

۱) این آیه حضرت ابراهیم و هم کیشان همراه او (کسانی که به او اقتدا می کنند) را سرمشق و الگوی پسندیده ای برای پیروان پیامبر معرفی می کند. (مقام الگویی حضرت ابراهیم و پیروان راستین او)

۲) علت این مقام الگویی برائت (از ریشه ی براء در آیات) جستن و بیزاری آنان از بت پرستان و معبودانشان است.

۳) عبارت ((براء منکم)) بیانگر تبری و بُعد ((نه)) در جمله لا اله الا الله است.

۴) دشمنی ابدی میان دو جبهه ی حق و باطل

۵) عبارت ((عداوه و البغضا)) بیانگر مبارزه با دشمنان خدا و تسلیم نشدن در برابر آنهاست.

۶) فقط ایمان به خدای یگانه عامل برقراری رشته محبت بین انسان هاست.

۷) ((مما تعبدون من دون الله)) عبد+من دون الله دارد که بیانگر شرک در عبادت است. (چون براء داره میشه نفی شرک عملی!)

۸) مقام الگویی در ۳ جا داشتیم که هر ۳ جا هم برای جامعه اسلامی است یکی در این آیه و دیگری:

الف) کنتم خیر امه اخرجت للناس.... : به شرط ایمان به خدا و انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر

ب) و کذلک جعلناکم امه وسطاً... : به شرط مصونیت از افراط و تفریط و الگو گیری از پیامبر.

۹) ارتباط با تیترو (مبارزه با دشمنان خدا)

۱۰) ارتباط با متن درس:

عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با زشتی ها، ستم و ستمگران بوده اند.

همه ی پیامبران، از حضرت نوح و حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در مبارزه ی با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه

را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند.

نمی شود کسی دوستدار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند **قرار و آرام بگیرد**.
نکته: دو تا ((نمی شود که)) در متن درس داشتیم: ۱) نمی شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است. (**تیتیر: پیروی از خداوند**) ۲) نمی شود کسی دوستدار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد. (**تیتیر: مبارزه با دشمنان خدا**)
 از این رو **جهاد** در راه خدا در برنامه ی **تمام پیامبران الهی** بوده و **بیش تر** آنان در حال مبارزه ی با ستمگران به **شهادت** رسیده اند. امروزه نیز وقتی به حوادث جهان می نگریم، مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به **منافع و لذایذ** دنیایی خود حقوق ملت ها را زیر پا می گذارند و حتی از داشتن یک سرزمین برای زندگی شرافت مندانه محروم می کنند. **رنج و محرومیت مردم فلسطین** نمونه ی آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با **مبارزه**، برطرف نخواهد شد.

کلید واژه های ((مبارزه با دشمنان خدا)): (در آیات از ریشه براء + عداوه=دشمنی و بغضاء=کینه)

مبارزه با منفی ها/نمی شود+قرار و آرام گرفتن/جهاد در ره خدا/شهادت در راه مبارزه با ستمگران/منافع و لذایذ/مثال فلسطین تذکر:

نمی شود + دوستدار فضیلت و آراستگی = تیتیر مبارزه با دشمنان خدا **آخرش=عدم آرام و قرار=مبارزه**

نمی شود + از صمیم دل کسی را لاو داشته باشد = تیتیر پیروی از خداوند **آخرش=سرپیچی از فرمان خداوند=عدم صداقت در دوستی**

۱۱) در این آیه حضرت ابراهیم و پیروان آن حضرت خطاب به قوم (لقومهم) خود فرموده اند: (نسبت به شما و آنچه که می پرستید بیزاریم) بنابراین روابط (قومی، خانوادگی و ...) در دین داری و بیزاری و مبارزه با دشمنان خدا کاملاً بی تاثیر اند و این که انسان با کسی هم قوم یا هم خون باشد تاثیری در بیزاری جستن و مبارزه او علیه باطل و دشمنان خدا ندارد پس این آیه و به ویژه (لقومهم) با آیه (لا تجد قوماً یؤمنون ... او عشیرتھم) یا قبیلہ شان) تناسب دارد.

۱۲) مبارزه با دشمنان خدا باید تا برقراری توحید ادامه یابد مگر نه همیشه میان حق و باطل و دوست و دشمن خداوند مبارزه است. ۱۳) این آیه خطاب به پیامبر اکرم و پیروان ایشان است.

نکته: در قالب یه تمرین نکته رو جا میندازیم با همدیگه!

تمرین: معین کنید مخاطب هر آیه چه شخص (اشخاصی) می باشد؟

۱) قل ان کنتم تحبون.... (خطاب به پیامبر)

۲) لا تجد قوماً یؤمنون... (خطاب به پیامبر)

۳) قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم... (خطاب به پیامبر و **همراهان ایشان**)

۱۴) اعلام و ابراز برائت به ۳ شیوه در این آیه بیان شده است:

الف) لفظی و زبانی: **براء منکم**

ب) قلبی و باطنی: **کفرنا بکم**

ج) عملی: **بدا بیننا و بینکم عداوۀ و بغضا**

تذکر مهم: ترتیب بالا خیلییی مهمه و یه جورایی احتمالی کنکور ۹۹ حساب میشه!

بگو: اول زبانی بعداً باطنی و در آخر عملی.

به عربی هم میشه: ۱) براء ۲) کفرنا ۳) عداوۀ و بغضا

نتیجه گیری:

دینداری با دوستی با خدا آغاز می شود و برائت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد. به همین جهت اگر کسی بخواهد **قلبش را خانه خدا کند** (تولی) باید **شیطان و امور شیطانی** را از آن بیرون نماید (تبری).

لا اله الا الله در ۴۲ درس دین و زندگی:

۱. مهم ترین شعار اسلام

۲. در برگیرنده همه ابعاد توحید (توحید نظری + توحید عملی)

۳. موجب فلاح و رستگاری پیامبر : قولوا لا اله الا الله تفلحوا (اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام)

۴. بهای بهشت (از منظر پیامبر)

۵. دژ مستحکم خداوند: کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی (خدیث سلسه الذهب)

۶. دژ مستحکم پیامبر

۷. دژی که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می کند.

۸. پیامبر : نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه ای پرمحتوا همانند لا اله الا الله نگفته ایم.

۹. مرکب از نفی شریک خداوند (لا اله) اثبات یگانگی خدا (الا الله)

۱۰. مرکب از تولی (محبت به حق +) تبری (بیزاری از باطل) دین داری استوار بر ۲ پایه تولی و تبری است.

۱۱. به میزانی که **دوستی** با خدا عمیق تر باشد **نفرت** از باطل هم عمیق تر است.

۱۲. ارتباط با سخن امام خمینی: مگر تحقق دیانت، جز **اعلام محبت و وفاداری** نسبت به **حق و اظهار خشم و**

برائت نسبت به **باطل** است؟ حاشا که **خلوص عشق موخدین** جز به ظهور کامل **نفرت** از **مشرکین و منافقین** میسر شود.

۱۳. ارتباط با سفارش امام خمینی به مسلمانان جهان: باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از

محبت و **عشق** نسبت به **ذات حق** و **نفرت و بغض** (= کینه) **عملی** نسبت به **دشمنان خدا** لبریز کنند.

فصل دوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم
درس ۱۲ دینی دوم (فضیلت آراستگی)

تشریح مقدمه و تیپ تست های مقدمه:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ خُدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

از برنامه های ارزشمند **مؤمنان**، حضور عزتمند، عقیقانه و آراسته در اجتماع است. این مفاهیم گرچه متفاوت اند اما رشته ای نامرئی و ظریف، آن ها را به یکدیگر پیوند می دهد و زیبایی خاصی پدید می آورد.

تیپ تست: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

(۱) مفهوم دریافت شده از آیه شریفه ((إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ)) متناسب با آیه الف)..... می باشد و مخاطب مورد دوم در بهره برداری از نعمات دنیایی (ب)..... می باشد.

(۲) حضور عزتمند و عقیقانه و آراسته در جامعه به شرط ج).... ارزشمند شمرده می شود.

(۳) رابطه میان آراستگی، عفاف و عزت در عین تفاوت در مفاهیم نوعی رابطه د) ... و ه) ... است که این رابطه ر).... خاصی را پدید می آورد.
ج: الف) قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده ... ب) مومنان و غیر مومنان ج) تحقق ایمان د) نامرئی ه) ظریف ر) زیبایی

پکیج تحلیلی آیات درس:

آیه اول:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ

فضیلت آراستگی

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

.....
جواز استفاده از زینت های الهی برای بندگان

وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ
قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا

.....
روزی های پاک در دنیا برای همه مردم در آخرت اختصاص به مومنان

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

كَذَلِكَ نَقُصِّلُ الْآيَاتِ

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

.....
اعتدال در بهره مندی از نعمت های دنیوی و اخروی

محرمات الهی

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ

بگو پروردگارم حرام کرده زشت کاری ها را

وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ

چه آشکار و چه پنهان آن ها را

وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ

و نیز گناه و سرکشی به ناحق را

مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا

و این که به خدا شرک بورزید،

وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

چیزی را که برای آن دلیلی نفرستاده

مَا لَا تَعْلَمُونَ

و این که به خدا نسبت دهید

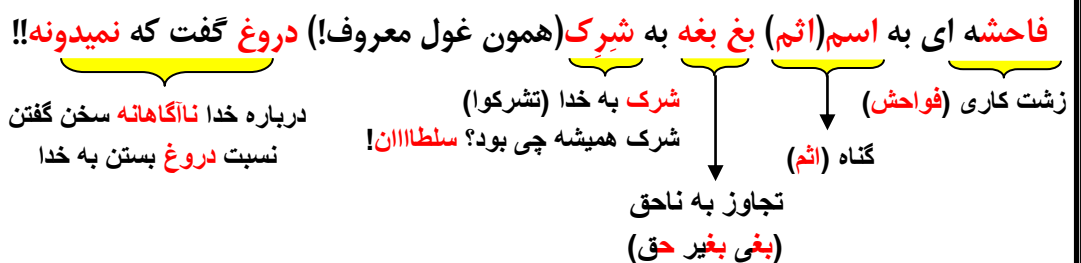
چیزی را که نمی دانید.

اعراف، ۳۲ و ۳۳ ناگاهانه درباره خدا سخن گفتن

این جمله در خصوص کدام یک از محرمات است؟

نکات خاص آیه:

- ۱) این آیه کسانی را که استفاده از نعمت های حلال و پاک و زیبایی هایی را که خداوند آفریده حرام می دانند مورد سوال قرار داده و می فرماید خداوند نعمت ها و زینت هایی که برای بندگانش آفریده را حرام نکرده است.
- ۲) این آیه مردم را دعوت می کند به استفاده از زینت هایی که خدا برای انسان آفریده است و حرمت و روی گردانی از آنها را مردود می شمارد.
- ۳) خداوند مردم را به استفاده از روزی های پاک و خدادادی دعوت می کند به شرطی که پاک و حلال باشند.
- ۴) استفاده از زیور های حلال در دنیا مشترک بین مومنان و غیر مومنان است.
- ۵) تاثیر روزی های حلال بر باطن انسان (و الطیبات من الرزق)
- ۶) مومنان از نعمت های حلال خداوند استفاده می کنند و این نعمت ها در قیامت به طور خاص به مومنان مختص است.
- ۷) قرآن انسان هایی را تربیت می کند که رشد و تعالی زندگی مادی و معنوی را با هم دارند.
- ۸) به دوری از کار های حرام توصیه شده است.
- ۹) آنچه خدا حرام کرده است به ترتیب:
الف. زشت کاری (فواحش) چه آشکار (ظهر) چه پنهان (بطن)
ب. گناه (اثم)
پ. تجاوز به ناحق (بغی بغیر حق)
ت. شرک به خدا (تشرکوا) که مشرکان برای اعتقاد خود استدلالی ندارند (لم ینزل سلطان)
ث. درباره خدا ناآگاهانه سخن گفتن یا نسبت دروغ بستن به خدا (تقولوا ما لاتعلمون)
(حتی موارد شک هم نباید به خدا چیزی را نسبت داد چه برسد به وقتی که درباره خدا چیزی را نمی دانیم)
رمز حفظ موارد حرام: (دروغ به غول شرک)



حالا یه سوال: شرک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین سلطانان! پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل سلطان) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ استدلالی ندارند!

۱۰) این آیه به اعتدال در زندگی از معیار های جامعه و تمدن اسلامی (درس ۸ پیش معیار ششم) اشاره دارد. مردم جامعه اسلامی در عین حال که برای آخرت تلاش می کنند از زیبایی های جهان و نعمات الهی هم بهره می برند البته این نعمات نباید در جهت **دروغ به غول شرک** به کار برود یعنی نباید برای فواحش (زشت کاری) + اثم (گناه) + بغی (تجاوز به ناحق) + شرک به خدا بدون سلطان + ان تقولوا ما لا تعلمون به کار برود که در این صورت حرام خواهد بود.

۱۱) لزوم آراستگی ظاهری در کنار آراستگی باطنی و بهره مندی متعادل از زینت های دنیوی

۱۲) مقابله با زهد افراطی که منجر به ترک دنیا و توجه صرف به آخرت گردد. (من حرم زینه)

۱۳) نهی تحریم زینت های الهی و روزی های پاک برای بندگان خدا (زینه الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق)

۱۴) در قیامت این زینت ها مخصوص مومنان است و لا غیر

۱۵) استفاده از زینت های الهی همراه با راز و نیاز و پابندی به اخلاق (ءامنوا...)

۱۶) این آیه و آیه دوم، نمونه ای از سخنان خداوند درباره ی **آراستگی و پوشش** است. برای درک عمیق تر و استفاده ی بهتر از راهنمایی های خداوند درباره ی مساله ای که **هر روز** با آن سر و کار داریم، از کلمات پیشوایان خود و شیوه ی زندگی آنان کمک می گیریم.

۱۷) مرتبط با تیترا (آراستگی، شیوه ی پیشوایان دین))

۱۸) مرتبط با متن:

پیشوایان ما نه تنها در زیبایی **باطنی** خود می کوشیدند بلکه به زیبایی و آراستگی **ظاهر** هم توجه داشتند (تعادل) و یاران خود را نیز به رعایت آن دعوت می کردند.

۱۹) ارتباط با احادیث **آراستگی**:

پیامبر: لباس سفید و روشن بپوشید که **پاک تر و پاکیزه تر** است.

امام علی: **آراستگی** از اخلاق مؤمنان است.

امام صادق: خداوند زیبایی و **آراستگی** را **دوست دارد** و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می آید.

امام صادق: دو رکعت نماز که با **بوی خوش** گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

پیامبر هنگام ملاقات: خدای تعالی **دوست** دارد وقتی که بنده اش به سوی دوستانش می رود خود را آماده و **آراسته** کند

۲۰) ارتباط با موضوع (آراستگی در اجتماع و هنگام عبادت)

۲۱) ارتباط با متن:

این شیوه ی رسول خدا (ص) و سایر پیشوایان ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به **آراسته ترین** و **پاکیزه ترین** ملت ها تبدیل شوند و **الگو و سرمشق** سایر ملت ها قرار گیرند. (مقام الگویی مسلمانان برای سایر ملت ها به واسطه ی آراستگی و پاکیزگی

۳ جای دیگر هم در آیات مقام الگویی داشتیم بگو:

الف) کنتم خیر امه اخرجت للناس.... : به شرط ایمان به خدا و انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر

ب) و کذلک جعلناکم امه وسطاً... : به شرط مصونیت از افراط و تفریط و الگو گیری از پیامبر.

ج) قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم... : حضرت ابراهیم و هم کیشان همراه او (کسانی که به او اقتدا می کنند) را سرمشق و

الگوی پسندیده ای برای پیروان پیامبر معرفی می کند. (مقام الگوی حضرت ابراهیم و پیروان راستین او) علت این مقام الگویی

برائت (از ریشه ی براء در آیات) جستن و بیزار ی آنان از بت پرستان و معبودانشان است.

(ان الله جمیل و یحب الجمال)

آیه دوم:

عفاف

یا بَنِي آدَمَ يَكْسَانِي مَنْزِلَتِ زَنِّ وَمَرَدٍ.....
 قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا.....
 دهدف از پوشش؟ ^A یواری سَوَاءِ تِكُمْ وَ ^B رِيشًا
 حفظ از ناپسندی (عفاف) - زیبایی (آراستگی ظاهری)
 وَ لِبَاسِ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ
 آراستگی باطن (مقدم).....
 ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ
 لَعَلَّهُمْ يَدَّغُرُونَ

اعراف، ۲۶

- امام صادق (ع) لباس نازک و بدن نما نپوشید زیرا نشانه سستی و ضعف دین است.
- ظاهر تجلی گاه باطن است.

نکات خاص آیه:

- (۱) اهمیت اسلام به آراستگی ظاهری و آراستگی باطنی
- (۲) کارکرد و هدف پوشش و لباس برای انسان:
- (الف) پوشش ناپسندی ها (یواری سوءاتکم)
- (ب) زینت و زیبایی (ریشا)
- (۳) ارتباط میان آراستگی و عفاف (مراعات پوشش و لباس ظاهری در گرو بر خورداری از تقوی است)
- (۴) هر گاه بپرسند کدام آیه پاسخ به این سوال است پاسخ همین آیه می باشد. (میان آراستگی و عفاف چه رابطه ای وجود دارد؟)
- (۵) پوشش در جوامع امری فطری است.
- (۶) بهترین لباس برای انسان لباس تقوا و پرهیزکاری است. (لباس التقوی ذلک خیر)
- (۷) اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید.
- (۸) ارتباط با تیترا (تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی)
- (۹) ارتباط با متن درس:

ظاهر هر کس تجلی اندیشه و باور اوست و اندیشه ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می سازند و شکل می دهند.

مثال:

آن کس که نظم و برنامه ریزی را قبول دارد، اگر واقعاً به آن ایمان و باور داشته باشد، دست به برنامه ریزی می زند و هر کاری را در زمان خاص خود انجام می دهد.

از سوی دیگر، رفتارهای ظاهری نیز به تدریج بر باطن انسان تأثیر می گذارد (تأثیر تدریجی رفتارهای ظاهری بر باطن و روحیه انسان) و روحیه ی فرد را تغییر می دهد. شما می توانید نمونه های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتی طرز تفکر افراد شده است. البته ممکن است انسان های ریاکار خود را در میان جمع خوب جلوه دهند، در حالی که باطن زشتی داشته باشند. اما این ظاهر زیبا عاریتی و موقتی است و نمی تواند از چشمان تیز بین انسان های خردمند مخفی بماند. بالاخره، باطن زشت آنان آشکار می شود و خود را نشان می دهد.

برخی نیز برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می شوند که: دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد، اما خوب است آنان توجه کنند که دل پاک و باحیا و عقیف، ظاهر پاک و با عفاف را به دنبال می آورد و همان طور که گفته اند: ((از کوزه همان برون تراود که در اوست)) مگر می شود کسی حقیقتی را از صمیم قلب دوست داشته باشد، اما هر روز کاری بر ضد آن انجام دهد؟

((حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می رود.))

۳ مفهوم مهم درس:

عفاف، عزتمندی و آراستگی:

عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سوء استفاده کنند. انسان عقیف حیا دارد از این که دیگران به خاطر بدنش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند.

او در وجود خود ارزش های والاتری می یابد که می تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد. انسان عقیف، آراسته است اما آراستگی او به گونه ای است که جسم او وسیله ی جلب توجه دیگران قرار نمی گیرد. او خود را بزرگ تر از آن می یابد که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت جویی نگاه کنند.

به همان اندازه که رشته های عفاف در روح انسان ضعیف می شود، نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می کند و پوشش جنبه ی خودنمایی به خود می گیرد. اما هر اندازه که این رشته مستحکم شود، پوشش و آراستگی ظاهری جلوه گاه زیبایی های روح و شخصیت متعالی انسان می گردد.

امام صادق: لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه ی سستی و ضعف دین است.

امام علی: بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

عفاف خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از مرد و زن است. اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیش تر و برتری دارد. زن، مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلی است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی می باشند و همچون سایه ی رحمت الهی، آرامش بخش کانون گرم خانواده است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است.

زن کانون عفاف خانواده است. همواره ندایی درونی او را به پاکی و پاکدامنی فرا می خواند. گویا روح بزرگ او نمی پسندد که باز بچه ی خواسته های پست و حقیر ناپاکان شود. از این رو می کوشد آراستگی او در جامعه به گونه ای باشد که گوهر زیبای وجودش از نگاه نا اهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. او درمی یابد که اعطای هر کمالی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می آورد. همان طور که اگر کسی به کمال علم زبیده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم پیشه کند، موهبت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد و همان گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می شود، عرضه ی نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده عفت و حیا را از بین می برد.

عزت در مقابل حقارت و ذلت قرار دارد:

انسان عزیز در خود عظمت و صلابتی می یابد که موجب می شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد. بزرگ ترین شکست نیز شکست روحی و معنوی است. چه بسا انسان هایی در جنگ ظاهری شکست بخورند اما روح بلندشان پیروز و عزیز باقی بماند. یکی از اقسام پستی ها و حقارت ها آن است که افراد هوس ران و گناهکار به انسان به چشم ابزار هوس رانی های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه نمایند. انسانی که دارای عزت نفس است، این حقارت و پستی را نمی پذیرد و از همان ابتدای جوانی به گونه ای در جامعه ظاهر می شود که اجازه ی چنین تحقیری را به دیگران نمی دهد. گرچه او هم

زیبایی و آراستگی را دوست دارد، اما این زیبایی و آراستگی را در پوششی از حجاب نگه می دارد تا شخصیت متعالی خود را از دست ندهد.

نیاز به مقبولیت و رابطه ی آن با آراستگی:

برخی از نیازها در دوره ی نوجوانی و جوانی، بیش تر خود را نشان می دهد که در این میان می توان از نیاز به توجه و تحسین دیگران و مقبولیت نام برد. جوان برای این که ثابت کند وجودش برای جامعه مفید است، تلاش می کند که توانایی ها و استعدادها را کشف و شکوفا کند و آن ها را در معرض دید دیگران قرار دهد و جایگاه مناسب خود را در میان دیگران تثبیت کند.

نوجوانی که می کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ی ورزشی یا خلق یک اثر هنری یا کار مؤثر در یک کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد و اعتماد آنان را جلب کند، با آن فردی که با لباسی نامناسب یا آرایش غیر معمولی یا به کاربردن کلامی تند و نابجا یا گذاشتن سیگاری بر لب اظهار وجود می کند، بسیار متفاوت است. این شخص به طور ناخود آگاه ضعف روحی خود را به دیگران نشان داده و آن دیگری ارزش های وجودی خود را به زیبایی هر چه تمام تر آشکار کرده است.

نکته:

آراستگی همراه با عفت و حیا نشانه ی:

الف. شخصیت روحی

ب. درک متعالی فرد از زندگی است

و تحسین قلبی همسالان را به دنبال دارد. حتی آن فردی که نسبت به پوشش همراه با عفت و حیای دیگری روی خوش نشان نمی دهد، در قلب و وجدان خود او را می ستاید.

* خلاصه تفکر در آیات *

رعایت حیا در حضور جنس مخالف الزامی است:

- ۱) آب ندادن گوسفندان توسط دختران شعیب در حضور مردان (لا نسقی حتی یصدر الرعا)
- ۲) رفتن موسی به سایه ای پس از آب دادن گوسفندان دختران (فسقی لهما ثم تولى الى الظل)
- ۳) گام برداشتن دختران شعیب همراه با رعایت عفاف (تمشی علی استحياء)

* خلاصه اندیشه و تحقیق *

کلید واژه های ((پاکدامنی حضرت مریم)) : **اعوذ/غلام/یالبتنی** + درخواست نیست و نابود شدن و شدت ناراحتی حضرت مریم در هنگام آگاهی از بارداری خود.

کلید واژه های ((پاکدامنی حضرت یوسف)) :

معاذ الله (پناه به خدا بردن حضرت یوسف هنگام مواجهه با ارتکاب به گناه)

حکم/علم (هنگامی که یوسف به بلوغ رسید خدا حکمت و علم به ایشان عطا نمود)

نصرف سوء//تصرف کید (از ریشه صرف + سوء/کید) (نصرف سو هنگام درخواست کامجویی از یوسف) (تصرف کید هنگام زندان)

مخلصین/محسنین (مخلصین همراه با نصرف سوء) (محسنین همراه با تعبیر خواب دو زندانی)

خمرأ/خبرأ (تعبیر خواب دو زندانی اولی (خمرأ) ارج و مقام نزد پادشاه می یابد. دومی (خبرأ) به دار آویخته و پزندگان از سرش می خورند.)

سجن احب (زندان دوستی در مقابل انجام گناه)

سبع بقرات (تعبیر خواب پادشاه)

لم اخنه (عدم خیانت در غیاب عزیز مصر نشانه ی عفاف حضرت یوسف)....(احتمالی کنکور ۹۹)

نکته نوشت کلاسی:

دینی سال دوم دبیرستان
درس چهاردهم (نظارت همگانی)

(۱) مقدمه:

در روزگاران قدیم که دریانوردان با کشتی های بادبانی پهپه ی دریاها و اقیانوس ها را می پیمودند، با حوادث دلپره آور و خاطره انگیزی روبه رو می شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی که کرانه های آن ناپیداست، ساکنان کشتی را به هم نزدیک می کرد. آنان در هنگام خطر حس می کردند که چقدر سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است! یا همه با هم نجات خواهند یافت و یا همه با هم در دریا فرو می روند. پیام کلی: سرنوشت همه افراد جامعه همانند سرنوشت افراد داخل کشتی به هم گره خورده است.

سوپر ترکیب غفوری: آیه اندیشه و تحقیق درس یک دینی چهارم: من بهش میگم آیه کشتی و نامردان!!! (:

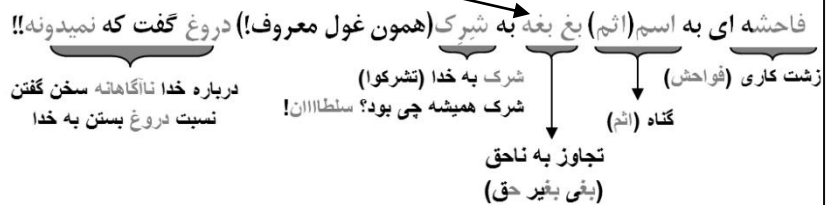
آیه: (هُوَ الَّذِي يَسِّرُ كُم فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ...)

ترجمه آیه: او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می گیرید، و باد های موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت می دهد (قدر الهی= موافق باعث حرکت کشتی (قضا) می شوند + توحید در ربوبیت) و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی می وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید؛ و گمان می کنند هلاک خواهند شد (در لحظات حساس و خطر که احساس می کنند خودشان قدرت هیچکاری ندارند بیشتر به یاد خدا می افتند)؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند (هر کس در فطرت خود، خود را وابسته به یک قدرت بی پایان و بی نیاز می یابد). که اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاس گزاران خواهیم بود اما هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، باز به ناحق، در زمین ستم می کنند. (بدکاری مردم پس از نجات از بحران ها (اذا هم یبغون) نشان دهنده عمیق نبودن اعتقادشان به خداوند و به زیان خودشان است (انما بغیکم علی انفسکم) ای مردم! ستم های شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره می برید، سپس بازگشت شما بسوی ماست (معاد جسمانی و بازگشت به سوی خداوند)؛ و ما، شما را به آنچه عمل می کردید، خبر میدهیم!

رمز های حفظ آیه: ریح طیبه (بادهای موافق) + البر و بحر (خشکی و دریا) + ریح (باد) + بغی (ستم و تجاوز)

ترکیب خفن: موارد حرام طبق آیه درس ۱۲ دینی ۲:

رمز حفظ موارد حرام: (دروغ به غول شرک)



سخن رسول الله به یارانش:

مردم یک جامعه مانند سرنشینان کشتی اند. اگر کسی جایی را که نشسته، به بهانه ی این که جای خودش است، سوراخ کند، نه تنها خودش بلکه همه را غرق خواهد کرد.

پیام: لزوم نظارت همگانی و تشییه جامعه بر یک کشتی که در حال سیر کردن اقیانوس زندگی برای رسیدن به کمال و برتری است. (شب= مردم، شب= سرنشینان کشتی، و شب= مسئولیت های مشترک و هدف واحد)

تطبيق

برخی از افراد وقتی مرتکب گناهی می شوند و دیگران به آن ها تذکر می دهند، این را دخالت در حوز ه ی زندگی خود می شمردند و سلب آزادی خود تلقی می کنند. این دیدگاه را با آیات و روایات، به خصوص با مثال کشتی مقایسه کنید و نتیجه گیری نمایید.

پاسخ:

جست و جو در زندگی شخصی افراد جایز نیست اما اگر آشکار شد که شخص مرتکب منکری شده شده است؛ نهی از منکر واجب می شود چرا که آثار عمل او به جامعه رسیده و ضرر وارد می کند. همان طور که اگر فردی در کشتی عملی انجام دهد که ظاهراً شخصی است ولی سبب صدمه به کشتی و غرق شدن کل سرنشینان کشتی گردد؛ باید به سرعت در برابر عمل او مقامت نمود و او را منصرف کرد.

۲) هدف واحد و مسئولیت مشترک:

- ✓ سرنوشت سرنشینان یک کشتی که در حال گذر از دریاها و اقیانوس هاست، در امور زیر به هم پیوند خورده و مسئولیت مشترکی دارند:
- ✓ همه ی آن ها با یک وسیله و به سمت یک هدف حرکت می کنند .
- ✓ هیچ یک از ساکنان کشتی نمی تواند به میل خود و بدون توجه به دیگران جهت حرکت کشتی را تغییر دهد.
- ✓ کشتی هم نمی تواند در آن واحد چند جهت متفاوت را دنبال کند.
- ✓ حفظ امنیت و سلامت کشتی برای رسیدن به مقصد بر عهده ی همه ی افراد است.
- ✓ اختصاصی بودن جا و برخی وسایل دیگر این حق را به کسی نمی دهد که هر طوری که میل دارد از آن ها استفاده کند.
- ✓ حالات روحی و اخلاقی افراد مانند ترس یا شجاعت، ناامیدی یا امیدواری افراد در لحظه های خطر بر دیگران تأثیر دارد و سرنوشت همه ی ساکنان را تغییر می دهد.
- ✓ سپردن هدایت کشتی به ناخدای خبره و وظیفه شناس و کمک به او بهترین راه رسیدن کشتی به مقصد است.

خلاصه موارد بالا جهت به خاطر سپاری: همه یک هدف/جهت کشتی به میل یک مسافر نیست/کشتی فقط یک جهت/نقش همه در امنیت و سلامت/اختصاص جا و برخی وسایل/تاثیر حالات روحی یک فرد بر بقیه/بهترین راه رسیدن به مقصد= ناخدای خبره و کمک به وی

نتیجه:

- ✓ هر فردی نمی تواند به میل خود مقصدی برای کشتی اجتماع تعیین کند.
- ✓ هر فردی به بهانه استقلال در مسائل شخصی، نمی تواند بگوید: هر طور که میل دارم زندگی می کنم و انتخاب های من ارتباطی به دیگران ندارد.
- ✓ هر کس به بهانه ی نفع شخصی نمی تواند بگوید: من فقط برای رفاه و سعادت خود تلاش می کنم و کاری به دیگران ندارم.
- ✓ ارتباط و تاثیرگذاری اعضای جامعه بر یکدیگر نسبت به سرنشینان یک کشتی عمیق تر است چراکه از جهات مختلف با یکدیگر پیوند خورده اند و در زندگی طولانی مدت اجتماعی، اخلاق، آداب و رسوم و فرهنگ پدید می آید که بر هر یک از افراد تأثیر می گذارد.

آیه:

قبول فرمان های الهی (و اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا
وَلَا تَفَرَّقُوا
وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً دُشْمَنِي دِيرِينَهُ
فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا
وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ
فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

اسلام عامل
الفت و اخوت و وحدت
عمر، نعمت خداوند

۱. ضرورت وحدت و یکپارچگی همبستگی اجتماعی
۲. محور وحدت حبل الله است.....
۳. وحدت کلمه نتیجه ی کلمه توحید است.

تا به لطف او با یکدیگر برادر شدید
و بر کنار پرتگاه آتش بودید منظور اختلاف و تفرقه است
که شما را از آن رها کند
این گونه خدا آیات خود را روش بیان می کند
تا این که هدایت شوید (یادآوری نعمت ها برای توجه به نعمت آفرین است، به جهت هدایت است.)

تیپ تست های آیه:

۱. منظور از پرتگاه آتش (شفا حفره من النار) در آیه چیست؟ وجود اختلاف، تفرقه و کینه ورزی در صدر اسلام

۲. عامل رهایی بخشی جامعه از و است. (اسلام- تفرقه- نابسامانی)

۳. عامل اصلی وحدت و برادری جامعه اسلامی می باشد. (لطف خداوند در تالیف قلوب مسلمانان)

۴. میان مسلمانان عامل هدایت ایشان است. (اتحاد)

۵. از عبارت در این آیه به توحید عملی می رسیم. (واعتصموا بحبل الله)

۶. سراسری ریاضی ۹۵: لازمه تمسک به ریسمان الهی چیست؟ (همدلی برادری و دوری از تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی)

۳ دعوت به خیر و نیکی:

دعوت به خیر و نیکی قبل از امر به معروف است .

این دعوت برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی هاست تا میدان بر بدی ها تنگ شود و تمایل به سوی آن ها کاهش یابد .

این دعوت، هم سلامت جامعه را دوام می بخشد و هم به تعالی آن کمک می کند و هم به عنوان پیش گیری، مانع گسترش گناه می شود و نیاز به

درمان را که همان وظیفه ی دوام است، کم می کند .

بهترین و مؤثرترین روش دعوت نیز روش عملی است زیرا که امام صادق می فرماید: دعوت کننده ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی،

تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت کننده هستند. (رفتار های دعوت کننده: ۱. پارسایی ۲. تلاش ۳. نماز ۴. نیکی)

کلید واژه های دعوت به خیر و نیکی: آشنایی/تشویق/ترغیب/تمایل به بدی کم/میدان بر بدی تنگ/دوام سلامت/تعالی بخشی/پیش

گیری/مانع گسترش گناه/دعوت کننده/پارسایی/تلاش/نماز/نیکی/یدعون+الخير. سراسری ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۷ از همین کادر مطرح شد!!

نکته: دعوت به خوبی ها و نیکی ها، گرایش به آن ها را در مردم افزایش می دهد و زمینه های گناه را کم رنگ می کند اما این دعوت همیشه

باعث پیشگیری نمی شود. (احتمالی ۹۹)

شرط
رستگاری

اولین
مقدم

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾

.....
پیشگیری از گناه - زمینه گناه را کم می کند ...

۱۴ امر به معروف=واجبات و مستحبات و نهی از منکر=محرمات و مکروهات:

همواره افرادی هستند که از فرمان های الهی سرپیچی می کنند و مرتکب گناه می شوند؛ یعنی واجبات را ترک می کنند و محرمات را انجام می

دهند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان ها و تأثیر پذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب (که

همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود) نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران

سرایت می کند. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای امر به معروف و نهی

از منکر دانست .

دو شرط
رستگاری

اولین
مقدم

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾

.....
پیشگیری از گناه - زمینه گناه را کم می کند ...

دومین
مؤخر

﴿وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ ... واجبات و مستحبات
﴿وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ ... محرمات و مکروهات
درمان گناه

ثمره ی وجود نظارت
همگانی در جامعه

﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

سربلندی و رستگاری جامعه ی اسلامی در دعوت به نیکی
و امر به معروف و نهی از منکر است.
آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

نکته مهم: امر به معروف و نهی از منکر در واجبات و محرمات واجب است و در مستحبات و مکروهات مستحب است.

همه ی احادیث امر به معروف و نهی از منکر:

امام علی:

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می شوند و آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نرسد.

امام علی (ع)

به امام حسن و امام حسین

ترک امر به معروف و نهی از منکر می دهد: تسلط افراد شرور و بدکار و عدم اجابت دعاها حتی در صورت تکرار

خارج 91 در میدان عمل به نظارت همگانی آنجا که نافرمانان متجاوز از حدود به استمرار سریچی ها پافشاری کنند پرداختن به وظیفه دومین که پیام آیه شریفه: و یا مرون... می باشد وجوب خود را اعلام می دارد تا به بیان امام علی (ع): راه اجابت دعا ها مفتوح بماند.

امام باقر:

امر به معروف و نهی از منکر فریضه ی بزرگ الهی است که همه ی واجبات با آن برپا می شود

و به وسیله ی آن امنیت برقرار می گردد،

کسب و کار مردم حلال و حقوق افراد تأمین می شود و در سایه ی آن آبادانی می آید و از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.

امام باقر (ع)

امر به معروف و نهی از منکر: فریضه همه واجبات بر آن برپا اند. / امنیت / کسب و کار حلال / حقوق افراد / آبادانی / انتقام از دشمنان / کارها رو به راه

هنر 86: بنابه فرموده امام باقر انجام همه مستحبات از نتایج امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

امام صادق:

گروهی از اینان (بنی اسرائیل) هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما هنگامی که آن ها را ملاقات می کردند، به روی آن ها می خندیدند و با آنان مأنوس می شدند. (تایید کننده گناه دیگران در گناه شریک)

خندیدن به گناه کار موجبات انجام گناه را فراهم می کند.

امام صادق

خارج 90: مورد لعن پیامبران قرار گرفتن قوم بنی اسرائیل به بیان امام صادق معلول انس ورزیدن با گناهکاران و صحه گذاشتن بر زشت کاری آنان

رسول الله:

هر کس به کار نیکی امر یا از کار بدی بازدارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آن ها را فراهم سازد، در آن عمل خیر سهیم و شریک است و همچنین، هر کس امر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.

امر راهنمایی یا تشویق به کار بد می دهد سهیم بودن در بدی پیامبر بازداشتن از بدی و تشویق به نیکی می دهد سهیم بودن در نیکی

امام علی:

تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ی آبی است در برابر دریای پهناور. (ارتباط با قیام امام حسین (ع))

ارزش بسیار بالای امر به معروف و نهی از منکر در مقابل تمام کار های نیک (امام علی (ع))

نکته خفن غفوری:

اگر در تستی بگویند: با توجه به بیان امام صادق (ع):

الف) مانوس شدن با گناهکاران توسط انسان باعث چه می شود؟ جواب: باعث شریک شدن در گناه آنان

ب) مانوس شدن با گناهکاران توسط قوم بنی اسرائیل باعث چه می شود؟ جواب: باعث مورد لعن پیامبران قرار گرفتن.

غفوری says: ...

۲ آیه دیگر امر به معروف و نهی از منکر:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

سرپرستی و مسئولیت اجتماعی مومنان

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

نظارت همگانی مستمر

(۱) يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

زمینه ساز
بهره مندی از
رحمت الهی

اقامه نماز مستمر

(۲) وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

پرداخت صدقه مستمر

(۳) وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

((توصیف))

ولایت پذیری مستمر... از معیار های تمدن اسلامی

(۴) وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت از دلایل ولایت ظاهری

لازمه جذب رحمت الهی ۴. مورد فوق است.

أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ

((ثمره))

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ← آمل تاحق بودن این وعده بیان کند.

← آمل تا توانایی خدا را و عجز خود را بیان کند. ^{توبه، ۷۱}

خلاصه مهم:

قرار گیری در رحمت خداوند

می دهد

1. مسئول و ولی نسبت به یکدیگر
2. امر به معروف و نهی از منکر
3. برپا داشتن نماز
4. پرداختن زکات
5. اطاعت از خداوند و پیامبرش

نشانه مرد و زن با ایمان فرقی
نی کند چه جنسیتی داشته
باشند!

معلول [كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ]
[أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ]

راه بهترین امت شدن

(۱) تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
(۲) وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
(۳) وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ...

علت

تقدم امر به معروف به ایمان خدا: اینست که امر به معروف موجب گسترش ایمان می شود. ^{العمران، ۱۱۰}

دو مورد ویژه گی جامعه اسلامی:

انجام امر به معروف و نهی از منکر + ایمان به خدا می دهد: بهترین امت و الگوی سایر جوامع
جامعه اسلامی با توجه به متن درس نه سال چهارم: جامعه ای الگو و اسوه برای سایر مسلمانان است.

نکته خفن شماره یک غفوری:

تنها آیه ای که فعل امر به معروف و فعل نهی از منکر در آن با (ت) شروع می شود همین آیه است که باید حواسمان باشد که در ابتدا با
(کنتم خیر امه) شروع شده و خداوند همراه با امر به معروف و نهی از منکر به ایمان نیز جهت مقام الگویی اشاره نموده است.

سوپر نکته خفن شماره دو غفوری ☺ احتمالی ۹۹

اگر قسمتی از آیه ای با عبارت: ((و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)) آغاز شود: ...

ابتدای آن آیه با مفهوم دعوت به خیر و نیکی = ((و لتکن منکم امه))؛ آغاز می شود.

انتهای آن با مفهوم سربلندی و رستگاری = ((و اولئک هم المفلحون))؛ پایان می پذیرد.

اگر قسمتی از آیه ای با عبارت: (([] یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)) آغاز شود: ...

ابتدای آن: آیه با عبارت ((و المومنون و المومنات))؛ آغاز می شود.

مفهوم آیه: زمینه سازهای قرار گیری در رحمت الهی (اولیا+امر به معروف و نهی از منکر+نماز+زکات+اطاعت خدا و رسول)

انتهای آن: با مفهوم مورد رحمت الهی قرار گرفتن و عبارت ((ان الله عزیزا حکیما))؛ پایان می پذیرد.

هیچگاه در تست ها قسمتی از آیه ای با عبارت: ((و ینهون عن المنکر)) آغاز نمی شود زیرا:

در این صورت مفهوم هر دو آیه بالا برداشت شده و دو گزینه صحیح می شود.

ولی دقت کنید ممکن است طراح این قسمت از آیه را بدهد و بگوید: ((با کدام مفهوم برداشت شده متناسب

نیست؟)) در این صورت منظور طراح گزینه ای می باشد که در آن یکی از مفاهیم موجود در آیه ((کنت خیر امه

اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله)) موجود باشد چرا که در این آیه فعل های مان

با ((ت)) شروع می شود نه ((ی)). + (قبلاً مفاهیم برداشت شده از این آیه را به دقت بررسی کردیم)

غفوری says ...

۵) احکام امر به معروف و نهی از منکر: (واجب کفایی)

این احکام عبارتند از:

الف - شرایط انجام امر به معروف و نهی از منکر

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید:

۱- بداند چیزی را که شخص ترک کرده و انجام نداده، از واجبات است و یا آنچه را انجام داده، از محرمات است. علم به واجبات و محرمات

۲- بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد. پس اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر واجب نیست.

۳- احتمال بدهد که فلان روش برای امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا امر به معروف و نهی از منکر دارای تأثیر باشد. مثلاً اگر توضیح دادن مؤثر نبود، می‌توان روش را عوض کرد. مثلاً کتاب مناسب معرفی کرد یا از فردی که با اطلاع‌تر است کمک گرفت.

۴- بداند که در امر و نهی او مفسده‌ای نیست پس اگر بداند یا احتمال بدهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه دارد، باید روش دیگری پیش گیرد.

توجه: اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین، باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. امام حسین - علیه السلام - و یارانش برای حفظ اسلام و از بین بردن ظلم و فساد بنی‌امیه جان خود را فدا کردند و آن مصیبت بزرگ را تحمل نمودند.

ب - مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مرحله اول: با شخص گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد این رفتار به خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی بگردانیم یا به او اخم کنیم.

مرحله دوم: با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می‌دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم. در موعظه و نصیحت می‌توان از شیوه‌های مختلف تربیتی و استدلال و منطق بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناهکار به عواقب و نتایج عمل خود بهتری بیرد.

مرحله سوم: او را از انجام حرام بازداریم یا به واجب وادار کنیم. این مرحله برای زمانی است که بدانیم راه دیگری وجود ندارد. البته انجام این مرحله در جامعه، در حوزه مسئولیت‌های حاکم اسلامی و مشروط به اجازه‌ی اوست.

بیش از ۱۰ بار تکرار این کلید واژه ها در کنکور!!!

کلید واژه های شرایط: بداند/علم به واجبات/علم به محرمات/ادامه گناه/احتمال اثر/تغییر روش/عدم مفسده/ضرر/جانی/آبرویی/مالی
 کلید واژه های مراحل: #مرحله یک: رفتار/روی گرداندن/اخم #مرحله دو: زبان/موعظه/نصیحت/تربیتی/استدلال/منطق/اثرگذاری/عواقب/نتایج
 #مرحله سه: بازداشتن/وادار کردن/عدم وجود راه دیگر/اجازه حاکم اسلامی

این نکات را بفهمید!! حفظ نکنید فقط میخوام بفهمید طراح چجوری میتونه با کلمات بازی کنه.

سوپر نکته یک غفوری:

اگر ((احتمال)) همراه با: ((یا نداند)) یا ((یا گمان کند)) بیاید همواره پس از آن دو مطلب می آیند: اولاً ((تکرار می کند)) ثانیاً ((امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست)).

مثال: تست: در بررسی امر به معروف و نهی از منکر اگر فردی احتمال بدهد یا نداند که مخاطب ؛ در این صورت امر به معروف و نهی از منکر پاسخ: شرایط-تکرار گناه می کند یا خیر-واجب نیست.

سوپر نکته دو غفوری:

بداند برای هر چهار مورد از شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است: 1) بداند از واجبات یا از محرمات 2) بداند به گناه ادامه می دهد. که در هر دو مورد طراحان بجای استفاده از کلمه ((بداند)) از کلمه ((علم به فلان)) استفاده می کنند که معادل هم اند. 3) در شرط سوم پس از آن اشاره شده است که: ((و اگر بداند که با تغییر روش موثر واقع می شود باید سعی کند روش خود را تغییر دهد)). 4) بداند که در امر و نهی او مفسده ای نیست و در ادامه کلمه ((بداند)) در کنار کلمه ((یا احتمال بدهد)) آمده است.

سوپر نکته سه غفوری:

احتمال بدهد برای سه مورد از شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است: 1) یکی در انتهای شرط دوم که خود این شرط با کلمه ((بداند)) آغاز می شود ولی در انتها به ((احتمال بدهد که تکرار گناه کند)) ختم می شود. 2) احتمال بدهد که فلان روش موثر واقع می شود که در ادامه ی این شرط کلمه ((بداند)) نیز مطرح شده 3. احتمال بدهد در شرط چهارم در کنار ((بداند)) در جمله: ((پس اگر بداند یا احتمال دهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی مالی آبرویی دارد باید روش دیگری در پیش بگیرد)).

سوپر نکته فوووووق خفن غفوری:

اگر بداند..... همراه با ((+یا احتمال دهد)) با تکرار امر موثر واقع ... **روش** امر به معروف..... باید آن را تکرار کند.
 پس اگر نداند گناه را تکرار می کند(انتهای **شرط** دوم)..... امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.
 و اگر بداند با تغییر روش موثر(ادامه ی **شرط** سوم)..... باید روش خود را تغییر دهد.
 پس اگر بداند همراه با ((+یا احتمال دهد)) ضرر جانی مالی آبرویی(ادامه **شرط** چهارم)..... روش دیگری در پیش گیرد.

سوپر نکته چهارم غفوری: باز هم خفن!!

کلمه ((روش)) هم در شرط سوم و هم شرط چهارم ذکر شده است بنابراین فقط به شرط سوم اختصاص ندارد!
 شرط سوم: احتمال بدهد که فلان **روش** موثر واقع می شود که در ادامه ی این شرط کلمه ((بداند)) نیز مطرح شده
 ادامه شرط چهارم: پس اگر بداند یا احتمال دهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی مالی آبرویی دارد باید **روش** دیگری در پیش بگیرد.

سوپر نکته پنجم غفوری:

کلید واژه ((کتاب مناسب)) یا ((کمک از فرد مطلع تر)) مربوطه به مورد سوم از **شرایط** امر به معروف و نهی از منکر
 ولی کلید واژه ((استدلال)) و ((منطق)) و ((شیوه های مختلف تربیتی)) مربوطه به مرحله دوم از **مراحل** امر به معروف و نهی از منکر

روش ها:

روش ها (مفاهیمی اخلاقی اند)

- کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، موظف است :
- ۱- در انجام آن، مرتکب گناهی - مانند دروغ، توهین و تحقیر - نشود.
 - ۲- مانند طبیبی مهربان رفتار کند.
 - ۳- مصلحت مخاطب را رعایت کند.
 - ۴- از خودخواهی و خودستایی پرهیزد.
 - ۵- قصدش تنها رضای خدا باشد. ← اخلاص
 - ۶- خود را منزّه از گناه و برتر از گناهکار نبیند.
 - ۷- اگر بداند و یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار، مؤثر واقع می شود، باید آن را تکرار کند!

کلید واژه های روش ها: عدم گناه /مهربان/رعایت مصلحت/عدم خودخواهی/حسن فاعلی=قصد فقط رضاالله/عدم برتر بینی/تکرار در صورت علم به تاثیر گذاری یا احتمال به تاثیر گذاری/از بین رفتن اخوت

پایان جزوه خفن درس چهاردهم دینی دوم دبیرستان

ففن نوشت های تستی من:....

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من صد درصد می زند پس به کمتر صد راضی نشو!

دین و زندگی دوم دبیرستان

درس ۱۵ (کار و درآمد حلال)

(۱) مقدمه:

انسان هایی که در یک جامعه زندگی می کنند، با کار و تلاش و به کمک یکدیگر نیازهای مادی و معنوی خود را رفع می نمایند.

(۲) کار، منشأ اصلی تولید ثروت:

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.

منطق فطرت هم برای پدید آورنده ی یک شیء حق تصرف در آن را می پذیرد و او را مالک می شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه ی موجودات خداست. (توحید مالکیت)

پیامبر: هر کس به آباد کردن زمینی که بی استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن (مالکیت) او خواهد بود. کار، یا باید مولد و خلاق باشد و یا نتیجه ی مفیدی داشته باشد تا بتوان نام کار بر آن گذاشت.

کار مولد و خلاق اختصاص به کار در کارخانه یا کشاورزی و پزشکی ندارد.

تولید علم و پیشرفت در رشته های علمی از مهم ترین کارها.

تجارت کالاهای مفید و حلال و خدمات از کارهای سودمند.

یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولد، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده اند.

آیه:

ضرورت کار و کسب روزی از زمین
 هُوَ اَنْشَاكُمْ مِنَ الْاَرْضِ
 وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...
 او شما را از زمین آفرید
 و شما را به آبادانی آن واداشت
 هود، ۶۱

نکته: هر گاه از ریشه ((انشأ)) در آیات دیدی: اشاره به لزوم توجه به اصل و مبدا و #توحید خالقیت دارد.

نکته: (انشأ) در ۳ درس آمده: درس ۴ و ۵ دینی دوم که اشاره به آفرینش بعد روحانی دارد و یکی هم در آیه بالا که اشاره به آفرینش بعد جسمانی دارد چراکه بعد از آن عبارت ((من الارض)) بیان شده است.

جمع بندی:

۱. ثم + انشأناه + خلقا آخر (درس ۴ دینی ۲) اشاره به توحید خالقیت اشاره به منشأ بعد روحانی انسان و بیانگر تفاوت خلقت بعد روحانی با جسمی.
۲. ثم + بینشی + النشاه الآخره (درس ۵ دینی ۲) اشاره به توحید خالقیت اشاره به مشاهده چگونگی آفرینش جهان هستی برای درک آفرینش مجدد آن و وجود جهان آخرت.
۳. هو + انشأکم + من الارض (درس ۱۵ دینی ۲) اشاره به توحید خالقیت اشاره به مبدا و خلقت اولیه ی بشر از خاک (بعد جسمانی) روش حفظ: کلمه (خاک) دارای حرف (ک) هست و (انشأ) تنها در همین آیه همراه با ضمیر (کم) آمده که این ضمیر هم دارای حرف (ک) است.

جمع بندی کلید واژه های (کار منشأ اصلی تولید ثروت) :

خلاق / مولد / کلید منابع / تصرف / خانواده مالک / عدم سبقت / کارخانه / کشاورزی / پزشکی / علم / پیشرفت + علم / تجارت / خدمات / کاذب / بدترین / انشأ / استعمار / آبادانی

(۳) ربا، کاذب ترین کارها:

۱. پول وسیله ای برای مبادله ی کالا است.
۲. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون این که فایده ای در کار باشد، ربا پیش می آید.
۳. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می کنند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می دهند و بدون این که کاری انجام دهند یا در کار آن ها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، یا وام گیرنده شرط می کنند که پول بیش تری بازگرداند.

۴. این عمل سبب می شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده ای خاص متمرکز شود. گروهی هم که ناچار می شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته اند، درصد زیادی نیز که قرض دهنده در خواست کرده، بپردازند.
۵. ادامه ی این کار سبب می شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و ربا خواران حریص تر و ثروتمند تر شوند و طبقه ای استثنایگر در جامعه پدید آید.
۶. امروزه، سرمایه داران بزرگ جهان وام هایی با بهره های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی کنند، ناچار می شوند معادن و ثروت های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه داران قرار دهند. به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.
۷. در عصر رسول خدا مردم عربستان به ربا آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او نپردازند.

سرّیح منخ: چهار ضلع را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

- ۱- در بینش و تفکر اسلامی، کار و، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.
خلاق و مولد-کلید
- ۲- منطقی ... هم برای پدید آورنده ی یک شیء حق ... در آن را می پذیرد و او را می شناسد.
فطرت-تصرف-مالک
- ۳- به این جهت، مالک ... و ... همه ی موجودات خداست که خدا همه موجودات است.
اصلی-حقیقی-پدیدآورنده
- ۴- هر کس به آباد کردن زمینی که بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او، آن زمین از آن او خواهد بود.
بی استفاده است-سبقت نگرفته باشد
- ۵- کار، یا باید ... و ... باشد و یا ... داشته باشد تا بتوان نام کار بر روی آن گذاشت.
خلاق-مولد-نتیجه مفیدی
- ۶- از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای ... و دوری از کار ... و است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را کرده اند.
کاذب-مفید-مولد-منع
- ۷- وسیله ای برای مبادله ی کالا است. اگر این پول، خودش مورد معامله قرار گیرد، بدون این که در کار باشد، پیش می آید.
پول-مستقلاً-فایده ای-ربا

آیه:

ای کسانی که ایمان آورده اید
پروای خدا داشته باشید **تقوا** لازمه ترک ریاست
و آن چه را از ربا باقی می ماند، رها کنید؛ **حرمت ربا**
اگر مؤمن هستید **ایمان شرط رها کردن ربا است.**
پس اگر چنین نکنید
با خدا و رسولش اعلان جنگ دهید.
و اگر توبه کنید توبه از ربا درگرو رسیدن اصل سرمایه به قرض دهنده است
سرمایه هایتان از آن خودتان **صیانت از مالکیت خصوصی**
تا نه ظلم کنید و نه مورد ظلم واقع شوید.
مصدق آن: ذروا ما بقی من الربا،

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا
اتَّقُوا اللَّهَ
وَ ذَرُوا مَا بَقِیَ مِنَ الرِّبَا
إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ
فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا
فَأَنتُمْ بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَ إِن تَبْتَغُوا
فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ
لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ

حرمت وام مشروط

شرط

علت

معلول

رمز حفظ آیه:

ذروا (رها کردن ربا)

اذن (اعلان جنگ با خدا و پیامبر)

تیبیب تست های آیه:

- ۱- آیه ی شریفه ((یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی...)) در تفهیم به مومنان است و در ادامه می فرماید اگر از این کار خودداری نکردید..... (بر حذر ماندن از آلودگی به ربا خواری-اعلان جنگ با خدا و رسولش را پذیرفتید)
- ۲- با توجه به آیه شریفه ((یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مومنین)) لازمه ایمان واقعی معرفی شده است.(رعایت تقوای الهی و ترک ربا)
- ۳- در قرآن کریم فقط یکجا ((اعلان جنگ با خدا و رسولش)) مطرح می شود و آن زمانی است که یک نظام، فرهنگ را دنبال می کند.(اقتصادی-ربا خواری)

نکته بازی

نکته: (ذروا) دیدی سریع بگو حرمت ربا و وجوب ترک آن + توحید در عبادت / نکته: با توجه به آیه لازمه ایمان واقعی، رعایت تقوای الهی و ترک ربا است. / نکته: ترک ربا باعث عدم ظلم به خود و دیگران می شود. / نکته: تارک ربا باید سود و بهره های پول را به صاحبانش بازگرداند اما اصل سرمایه مال خود اوست به همین دلیل نه ستم می کند و نه ستم می بیند. / نکته: اذنوا دیدی سریع بگو: اعلان جنگ + شرک عملی / نکته: (تبتم) = توبه و بازگشت انسان از گناه

۱. در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد: سرمایه و کار. با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به وجود می آید و سود یا زیان آن، بنابر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام دهنده ی کار تقسیم می شود.
۲. برنامه ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله ی طبقاتی و فقر است. آنان که ثروت اندوخته دارند، (۱) شایسته است آن را در بستر تولید و حیات اقتصادی به کار گیرند یا (۲) با کسانی که نیازمند سرمایه اند، شریک شوند، یا (۳) به صورت قرض الحسنه به نیازمندان بدهند تا بتوانند به کار و تولید پردازند.
۳. سرمایه باید مانند خون در رگ های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.
۴. وقتی سرمایه ی افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلمان و استادان همراه شود، چرخ تولید به راه می افتد و ثروتی که از این راه به دست می آید باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود.
۵. یکی از راه های برقراری عدالت، توزیع عادلانه ی سود حاصل از فعالیت اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه است. سودی که از این راه به صاحب سرمایه می رسد، نه تنها حلال و پاک است بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.

۵) بانکداری:

۱. در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه است. صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان جا می سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه اندازی کارخانه، بنا کردن ساختمان، آباد کردن زمین کشاورزی و تأسیس مراکز علمی و پژوهشی به کار گرفته شود و سود حاصل میان بانک، صاحب سرمایه و صاحب فعالیت تقسیم می شود.
۲. همچنین بانک به عنوان صاحب سرمایه با افراد جامعه وارد مشارکت می شود و سرمایه ی خود را طی قراردادی در اختیار افراد متقاضی می گذارد و با آنان در کار مشخصی مشارکت می کند. سرمایه ی بانک و کار افراد دست به دست هم می دهد و فعالیت اقتصادی شکل می گیرد. بانک سهم خود را به صورت ماهانه دریافت می کند تا وام گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.
۳. بنابراین، بانکداری در نظام اسلامی راهی برای مشارکت کار و سرمایه است. آنچه اهمیت دارد این است که بانک ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند. روشن است اگر بانک ها بخش بیشتری از سود به دست آمده را بردارند، روش عادلانه ای را پیش نرفته اند.
۴. قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک هاست، براساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.
۵. تمرین متن: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.
در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت ... و ... است.
سود حاصل میان ، و تقسیم می شود.
آنچه اهمیت دارد این است که بانک ها سود حاصل از مشارکت خود را تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند.
قانون بانکداری که در تصویب شده و مبنای عمل بانک هاست، براساس مشارکت و ... استوار است و از این جهت با مقررات ... مطابقت دارد.

۶) تأمین نیازهای عمومی: (از اینجا به بعد درس مهم شد)

- جامعه ی اسلامی هزینه های گوناگونی دارد که باید تأمین شود. این هزینه ها دو نوعند: (۱) هزینه های ناشی از خلأها و شکاف های موجود در جامعه و (۲) دیگری هزینه های برآمده از زندگی اجتماعی و شهری.
- نیازهای جامعه از دو راه تأمین می شود: **انفاق و مالیات**
- انفاق: (انفاق واجب = زکات و خمس + انفاق مستحب)**

هزینه های ناشی از خلأها و شکاف های موجود در جامعه و کارهای عام المنفعه مانند هزینه های مربوط به تأمین زندگی نیازمندان، مساکین، انسان های از کار افتاده، خانواده های بی سرپرست، تحصیل طلاب، دانش آموزان و دانشجویانی که از تمکن کافی برخوردار نیستند، افراد مقروضی که توان

پرداخت قرض خود را ندارند و نیز ساختن مساجد و کتابخانه ها، ایجاد مؤسسات فرهنگی و تربیتی و تولید فیلم ها و نرم افزارهای آموزشی به منظور تربیت انسان های دیندار از راه انفاق است. افرادی که از نعمت سلامتی و تمکن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه ی خود را به شکرانه ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام المنفعه می کنند.

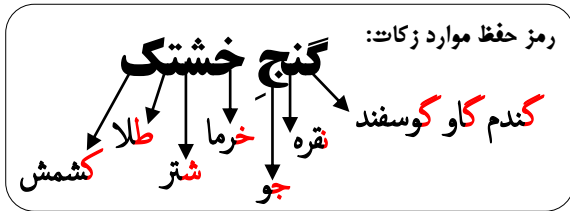
زکات: (یک انفاق واجب است)

قرآن کریم در بسیاری موارد، **پس** از برپا داشتن نماز (مقدم) بر پرداخت زکات (مواخر) تأکید کرده است.

مواردی که ذکات به آن ها تعلق می گیرد:

- غلات: گندم، جو، خرما و کشمش
- دام ها: شتر، گاو و گوسفند
- سکه ها: طلا و نقره.

نکات ذکات:



الف زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات به حد معین یا تعداد معین برسد. هر یک از این اموال **نه گانه** حد نصاب خاصی دارند. **ب** زکات، یک عبادت است و لازم است به نیت زکات و با قصد قربت انجام شود.

ج زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت **سکه ای** باشد که معامله ی با آن رواج دارد؛ بنابراین، زیور آلات خانم ها زکات ندارد.

آیه ذکات:

مصارف زکاة

۸ مورد

موارد مصرف زکات:

- ✓ فقرا و مساکین
- ✓ عاملین و قلوب
- ✓ رقاب و غارمین
- ✓ سبیل الله و ابن سبیل

زکاة

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ

لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَكِينِ

وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا ←

وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ ←

وَفِي الرِّقَابِ ←

وَالْغَارِمِينَ ←

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ ←

وَأَبْنِ السَّبِيلِ ←

فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

- نیازمندان و خانه نشینان
- کارکنان جمع آوری زکاة
- متمایل شدن دل های غیر مسلمان به اسلام
- آزادی بردگان
- پرداخت قرض بدهکاران
- کسی که در راه مانده و سید نیست.
-
-
-

مبنای وجوب زکاة

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

توبه، ۶۰

زکات فطره: (یک انفاق واجب است)

در **پایان ماه رمضان** که عید **فطر** فرا می رسد و همه در شادی به سر می برند، خداوند، برای کمک به محرومان و مستمندان جامعه زکات فطره را **واجب** کرده است و احکام آن به شرح زیر است:

الف کسی که موقع **غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار** است و **فقیر نیست** باید برای **خودش** و کسانی که **نان خور** او هستند، هر نفر به میزان تقریبی **۳ کیلو گرم گندم یا جو یا خرما یا برنج** و مانند این ها به مستحق بدهد. اگر پول یکی از این ها را هم بدهد، کافی است.

ب کسی که دیگری باید فطره ی او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

ج کسی که نمی تواند مخارج سال خود و خانواده اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و خانواده اش را پرداخت کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

د انسان باید زکات فطره را **به قصد قربت** یعنی برای انجام فرمان خداوند بپردازد و موقع پرداختن **نیت زکات فطره** نماید.

همیشه خمس و زکات به n چیز تعلق می گیرند و n-1 مورد مصرف دارند.

خمس: (یک انفاق واجب است)

خمس یکی از راه های تأمین نیاز های جامعه است که به هفت چیز تعلق می گیرد و رایج ترین آن ها **منفعت کسب و کار** است. همه ی کسانی که **از طریق کار، درآمدی کسب می کنند**، پس از صرف هزینه های سالانه ی زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آنچه را باقی مانده، به عنوان خمس بپردازند.

هر کس باید یک روز از سال را روز تعیین میزان خمس اموال خود قرار دهد تا ببیند که آیا پرداخت خمس برعهده ی او هست یا نه. چنین شخصی در طول سال درآمدهایی به دست می آورد و از این درآمد، مخارج زندگی خود و خانواده اش را تأمین می کند. پس از گذشت یک سال، وقتی به روز موعود رسید، اگر از درآمد او چیزی باقی مانده باشد **چه به صورت پول و چه به صورت کالا**، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس به **حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرائط** پرداخت کند تا ایشان در راه هایی که قرآن کریم و رسول اکرم و **ائمه اطهار معین کرده اند، به مصرف برساند.**

نکات خمس:

- ۱ تا خمس مال پرداخت نشود، استفاده از آن جایز نیست؛ مثلاً با پولی که خمس آن پرداخت نشده، نمی توان چیزی خرید.
- ۲ اگر با پولی که خمس آن داده نشده است، خانه ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.
- ۳ **آذوقه ای** که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریده شده است مانند **برنج، روغن و چای** اگر در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آنچه باقی مانده است، پرداخت شود.
- ۴ زیور آلات خانم ها، اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آن ها باشد و جنبه ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است و خمس آن باید پرداخت شود.
- ۵ اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز مال او نمی شود.
- ۶ اگر بچه ای سرمایه ای داشته باشد و از آن منفعی به دست آید، بنابراین احتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

آیه خمس:

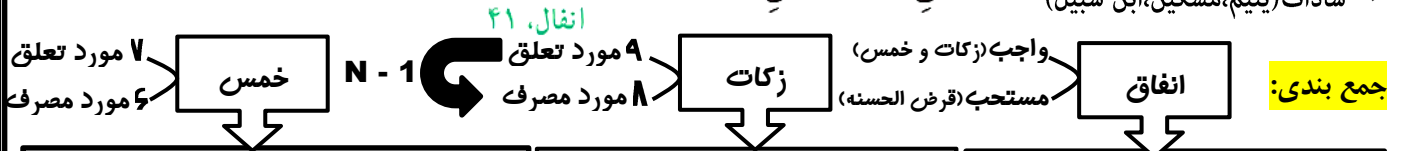
وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ، پس انداز و باقی مانده
وَلِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ
وَ ابْنِ السَّبِيلِ ← کسی که در راه مانع و سید است.

مصارف خمس

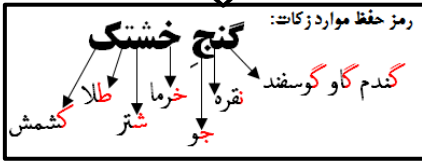
۶ مورد

موارد مصرف خمس:

- ✓ خدا و پیامبر
- ✓ خویشاوندان پیامبر
- ✓ سادات (یتیم، مسکین، ابن سبیل)



اگر از درآمد چیزی باقی مانده باشد چه به صورت پول و چه به صورت کالا، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس به حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرائط پرداخت کند تا ایشان در راه هایی که قرآن کریم و رسول اکرم و ائمه اطهار معین کرده اند، به مصرف برساند.



هزینه های ناشی از خلا ها و شکاف های موجود در جامعه و کارهای عام المنفعه

- موارد مصرف خمس:**
- ✓ خدا و پیامبر
 - ✓ خویشاوندان پیامبر
 - ✓ سادات (یتیم، مسکین، ابن سبیل)
- غنتم = پس انداز**
- مسکین + ابن سبیل** مشترک با زکات

- موارد مصرف زکات:**
- ✓ فقرا و مسکین
 - ✓ عاملین و قلوب
 - ✓ رقاب و غارمین
 - ✓ سبیل الله و ابن سبیل
- قران: پس از برپایی نماز به زکات اشاره**
- زکات یک عبادت به نیت زکات و با قصد قربت**

افرادی که از نعمت سلامتی و تمکن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه ی خود را به شکرانه ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام المنفعه می کنند.

لزوم پرداخت خمس قبل از استفاده مال/نماز باطل در خانه بدون پرداخت خمس/آذوقه زیاد خمس واجب/برنج روغن چای/زیور آلات خانم اگر ذخیره ای خمس واجب/بچه سرمایه و منافع از آن وقتی بالغ بنا بر احتیاط واجب خمس/بخشیدن مال بدون خمس یک پنجم مال برای گیرنده نیست.

زکات فطره: غروب شب عید فطر برای خود و کسانی که نان خور هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلو گرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند این ها به مستحق اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی

کلاسها در ریزن استاد غفور

مالیات:

امروزه یک شهر مانند خانه ای بزرگ است و همان گونه که یک خانواده، هزینه های رفاهی خود در خانه را می پردازد، باید هزینه های رفاهی خود در شهر را نیز پرداخت کند. پس تأمین هزینه های شهری برعهده ی همه ی شهروندان است. علاوه بر هزینه های یک شهر، هزینه هایی وجود دارد که مربوط به زندگی در یک کشور است. (۱) ساخت راه های میان شهرها و روستاها، (۲) محافظت از جنگل ها و محیط های طبیعی، (۳) ایجاد امنیت و مانند این ها هزینه هایی دارد که افراد کشور باید در تأمین آن مشارکت کنند.

مالیات پولی نیست که برای دیگران پرداخت می کنیم، بلکه بابت هزینه ی زندگی خود و خانواده ی خودمان در جامعه است؛ از این رو پرداخت کننده های مالیات نباید منتی بر کسی داشته باشند.

مابقی نکات:

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت کننده، از او دریافت کند و هرکدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد.

امام علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر که از جانب ایشان **حاکم مصر** شده بود، چنین می نویسد:

برنامه ی مالیات را به گونه ای رسیدگی کن که **به صلاح مالیات دهندگان باشد؛** زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات دهندگان است، و کار دیگران سامان نیابد مگر آن که کار مالیات دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه ی مردم جیره خوار مالیات و مالیات دهندگان هستند. اما باید بیش از آنچه به جمع مالیات بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی **زیرا مالیات جز از طریق آباد کردن زمین به دست نیاید، و هرکس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، (۱) شهرها را ویران و (۲) بندگان را هلاک سازد، و (۳) حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.**

آیات اندیشه و تحقیق:

۱- **إِنَّ الْمَصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفَ لَهُمْ»** وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»

ترجمه: همانا مردان و زنان صدقه دهنده و آسانی که [به خداوند قرضی نیکو (قرض الحسنه) دادند، چند برابر به آن ها داده می شود و آنان اجر و پاداشی ارجمند دارند.

مفهوم آیه: افزایش سرمایه و اجر باکرامت، نتیجه ی انفاق و قرض الحسنه

۲- **وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ**

ترجمه: همانا خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرپرست برانگیختیم و خداوند گفت:

«همانا من با شما هستم اگر نماز را به پا دارید»

وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

ترجمه: و زکات را بپردازید و به فرستادگان ایمان آورید و آنان را یاری دهید و به خداوند قرضی نیکو (قرض الحسنه) دهید.

«لَا كُفْرَانَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» وَ «لَا دَخِلْنَاكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»

ترجمه: قطعاً گناهانتان را از شما می پوشانم و قطعاً شما را به باغ هایی که از زیر [درختان] آنها نهرها جاری است، وارد می کنیم.

فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ترجمه: پس هر یک از شما بعد از این کفر ورزد، قطعاً از راه راست گمراه گردیده است.»

مفهوم آیات: پوشاندن گناهان و رسیدن به نعمات بهشتی، نتیجه ی بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، ایمان به انبیای الهی و قرض الحسنه

شرط
 ۳- (ان) تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

ترجمه: اگر به خداوند فرضی نیکو (قرض الحسنه) دهید، آن را برایتان چند برابر می‌کند و شما را می‌بخشد و خداوند شکور و بردبار است.

مفهوم آیه: افزایش سرمایه و ثروت و آموزش گناهان، نتیجه ی قرض الحسنه

دو نکته مهم:

نکته: اگر ابتدای آیه با (ان) شروع شد و گزینه ها یا صورت سوال درباره (قرض الحسنه) باشد آنگاه انتهای آیه (يضاعف لهم) و (لهم اجر كريم) خواهد بود. (رمز: لهم دو بار تکرار شده)

نکته: اگر ابتدای آیه با (ان) شروع شود و گزینه ها یا صورت سوال درباره (قرض الحسنه) باشد آنگاه انتهای آیه (يضاعفه لكم) و (يعفر لكم) و (و الله شكور حلیم) خواهد بود. (رمز: لكم دوبار تکرار شده)

یادداشت ها و نکات من...

دینی دوم دبیرستان

درس ۱۶ (یاری از نماز و روزه)

(۱) مقدمه:

۱. نماز، ستون خیمه ی دین و نشانه ی وفاداری ما به عهد خویش با خداست.
۲. جامعه ی اسلامی و فرد مسلمان با نماز شناخته می شود.
۳. در جامعه و خانواده ای که نماز راه نیافته، گویا اسلام وارد نشده است.
۴. در کنار نماز، روزه قرار دارد. جوامع اسلامی در سراسر جهان با آمدن ماه رمضان حال و هوای معنوی پیدا می کنند و رفتار مردم عوض می شود.
۵. اهمیت روزه و نماز و جایگاهشان در برنامه ی زندگی فرد مسلمان

تمرین مقدمه: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

تست: نماز به عنوان ستون و نشانه ای است برای ... انسان به عهد خویش با خداوند، لازمه شناخت جامعه اسلامی و نشانه ی شناخت جامعه اسلامی است و راه نیافتن به جامعه و خانواده است برای وارد نشدن اسلام به آن و تعویض رفتار مردم در ماه مشخصی از سال معلول است.
 جواب: خیمه دین - وفاداری - بررسی جامعه اسلامی از لحاظ توحید عبادی (نماز و روزه و ...) - نماز - نماز - علی (نه معلول) - روزه گرفتن و تعویض حال و هوای معنوی

(۲) متن ابتدایی:

می دانیم که اگر خدای مهربان برای زندگی ما انسان ها برنامه ای تنظیم کرده و وظایفی بر دوش ما قرار داده، جز مصلحت و سعادت ما هدفی نداشته است و گرچه ما به مصلحت برخی از این وظایف پی نمی بریم، اما یقین داریم که او دانای حکیمی است که جز براساس حکمت و وظیفه ای را تعیین نمی کند. با وجود این، انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت پیش تر دستورات الهی را انجام دهد. از این رو، خدای متعال به ما کمک کرده و فایده های مهم ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومین به اطلاع ما رسانده است. در این آیات، خداوند، مهم ترین فایده های نماز و روزه را متذکر می شود. دو فایده نماز عبارتند از: (یک) یاد خدا (دو) دوری از گناه. و مهم ترین فایده ی روزه نیز عبارت است از: تقوا، پاکی و پارسایی

تمرین متن ابتدایی: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

تست: پیام این آیه شریفه / حدیث از پیامبر اکرم (ص): ((تقوا فی کل شیء و لاتفکروا فی ذات الله)) پاسخی است به نیاز انسان در دانستن و احکام الهی و این نیاز زمینه ساز انجام دستورات الهی است که و انسان را در پی خواهند داشت حتی اگر انسان به برخی از این وظایف پی نبرد ولی باید بداند که این وظایف جز بر اساس الهی تعیین نشده اند برای مثال دو فایده نماز عبارتند از و ؛ و همچنین مهمترین فایده ی روزه عبارت است از: تقوا و و که مورد اول یعنی تقوا با توجه به آیه ۲۶ سوره اعراف در درس ۱۲ دینی دوم دبیرستان (لباس التقوی ذلک خیر) لباس تقوا از آن جهت بهترین پوشش برای انسان است که و با توجه به این آیه کلام خداوند تنها برای کسانی مفید واقع خواهد شد که
 جواب: حکمت - علت - با معرفت بیشتر - مصلحت - سعادت - مصلحت - حکمت - یاد خدا - دوری از گناه - پاکی - پارسایی - اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید. - یدکرون (پند پذیر باشند)

(۳) تقوا: (خود نگهداری، تسلط بر خود)

۱. امام علی (ع) در نهج البلاغه: مثل آدم های بی تقوا مثل سوار کارانی است که سوار بر اسب های چموش و سرکشی شده اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوار کار گرفته، به بالا و پایین می پرند و عاقبت، سوار کار را در آتش می افکنند. اما مثل آدم های با تقوا مثل سوار کارانی است که بر اسب های راهوار و رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا این که وارد بهشت می شوند. تفاوت اصلی میان این دو سوار کار که یکی به هلاکت می رسد و دیگری به رستگاری، در چموشی و سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی و راهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.
۲. معنای تقوا: نگهداری و حفاظت
۳. انسان متقی یعنی کسی که خود نگهدار است و خود را حفاظت می کند. به عبارت دیگر، انسان متقی بر خودش مسلط است، زمام و لجام خود را در کنترل و در اختیار خود دارد و نمی گذارد که در پرتگاهی قرار بگیرد که با یک حرکت بی جا در دره های هولناک سقوط کند.
۴. انسان با تقوا، انسان توانمندی است که خود را در برابر گناه حفظ می کند و می کوشد که روزه روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نکه دارد. او مانند کسی است که بدن خود را چنان ورزیده ساخته که دچار بیماری نمی شود.

نکته مهم

عامل تعیین کننده میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف های بزرگ تقوا یا خود نگهداری یا میزان تسلط بر خود است. هر قدر هدف بزرگتر تقوای بیشتری نیاز دارد.

۵. خداوند مرتبه ی اولیبه ی تقوا را در وجود همه ی ما انسان ها قرار داده به طوری که خوبی را دوست داریم و از بدی ها بیزاری می جویم. اما این مرتبه ی تقوا مانند نهالی است که برای رشد و تنومند شدن نیازمند آبیاری و رسیدگی است. در آن صورت است که انسان می تواند در برابر بادهای سهمگین گناه بایستد و مقاومت کند. ۱۲ راه برای تقویت نهال تقوا که مهم اند یکی نماز است و دیگری روزه.

(جمع بندی به سبک ویژه استاد غفوری)

۶. کل آیاتی که به **تقوا** اشاره کرده اند در ۱۶ درس دین و زندگی دوم دبیرستان:

آیه مآء (اشراف) فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲) وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا الْآخِرَةِ وَأُتِرْتُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳) وَلَئِن أُطِعْتُمْ بِشَرًّا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۳۴) أَيْعِدُكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتُمْ مَخْرُجُونَ (۳۵) هِيَ هَاتِ هِيَ هَاتِ لِمَا وَعَدُونَ (۳۶) إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتِنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷)

ترجمه آیه مآء: و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را پرستید؛ جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی کنید؟!» (۳۲) ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می خورید می خورد؛ و از آنچه می نوشید می نوشد! (پس چگونه می تواند پیامبر باشد؟! (۳۳) و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکارید. (۳۴) آیا او به شما وعده می دهد هنگامی که مرید و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می شوید؟! (۳۵) هیات، هیات از این وعده هایی که به شما داده می شود! (۳۶) مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می میریم، و نسل دیگری جای ما را می گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (۳۷)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَٰلِكَ ظُنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷) أَمْ نُجَعِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

۱- خداوند موجودات جهان را به باطل نیافریده بلکه خلقت آن ها هدفدار بوده است.
۲- کافران گمان می کنند که جهان بی هدف خلق شده است.
کلیت: ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی و عدل الهی

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۷۳) وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدُوهَ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (جایگاه متقین در قیامت: خلود در بهشت)

يَأْتِيهِمْ آدَمُ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَ اتِّبَعِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶)

دو هدف از پوشش: تقوا و آراستگی، تقوا شرط مراعات پوشش ظاهری

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (۱۸)

او (سخت ترسید و) گفت: «من از شر تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری!»
حضرت مریم: (س): جلوه ی عفت و پاکدامنی

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸) فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ زُءٌ مِّنْ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

۱- کسب درآمد از راه ربا حرام است.
۲- کسب درآمد از این راه مساوی با چه کاری است؟ مساوی با جنگ با خدا
۳- اگر کسی بخواهد توبه کند و از این راه برگردد، باید چه کار کند؟ باید آن چه علاوه بر اصل سرمایه از مردم گرفته به صاحبانش برگرداند و فقط مجاز است که اصل سرمایه ی خود را از بدهکار بگیرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

از مهم ترین ثمرات روزه (که یکی از مصداق های صبر است)، تقوا می باشد.

۴) نماز و بازدارندگی از گناه :

اثر نماز به تداوم و پیوستگی (عدم ترک نماز های روزانه) آن و نیز به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. اگر (شرط) نماز های روزانه ی خود را ترک نکنیم به میزان دقت و توجه خود، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. پس تأثیر پذیرفتن از نماز به شرطی است که (۱) عدم ترک نماز های روزانه (۲) دقت و توجه نمی توان انتظار داشت که با خواندن چند رکعت نماز (۱) شتاب زده (شتاب زده خواندن نماز مصداق بی کیفیتی) و (۲) بدون رعایت آداب، فرد از کارهای غلط خود دست بردارد.

اگر تلاش کنیم که روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را حس خواهیم کرد. افرادی که به نماز شان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی خوانند، از برخی منکرات پیشی تر دوری می کنند. اگر نماز را، (۱) کوچک نشماریم و (۲) نسبت به آنچه در نماز می گوئیم و انجام می دهیم درک صحیح داشته باشیم و (۳) با توجه، نماز را بخوانیم، (نتیجه) (۱) نه تنها از گناهان (۲) که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. (خلاصه: عدم کوچک شماری + درک + توجه می دهد دوری از (۱) گناهان (۲) برخی مکروهات))

تمرین نماز و بازدارندگی از گناه: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

اثر نماز وقتی در زندگی نمایان می شود که اولاً و ثانیاً داشته باشیم همچنین دست برداشتن از کار های غلط است برای خواندن نماز و ؛ این که شخص نماز گزار حتی از برخی مکروهات نیز دوری کند نتیجه کوچک نشمردن نماز و صحیح از آنچه در نماز گفته می شود و با نماز خواندن است. جواب: تداوم و پیوستگی - دقت و توجه - معلول - شتاب زده - بدون رعایت آداب - درک - توجه

۵) اگر های تستی نماز و عبارات زرهی:

الف) اگر ها:

قاعده: اگر به چیز مثبت در نماز انجام آنگاه به چیز منفی در زندگی منتفی (این دو چیز به یک عمل بر می گردن و با هم در تضاد اند.)

انجام به موقع نماز: بی نظمی **منتفی**

لباس و بدن پاکیزه: آلودگی های ظاهری **منتفی**

غصبی نبودن لباس و مکان نماز گزار: کسب در آمد از راه حرام **منتفی**

تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز: دیگران جای خدا **منتفی**

در رکوع و سجود عظمت خدا: خضوع و خشوع در مقابل مستکبران **منتفی**

اهدنا الصراط المستقیم: راه های انحرافی دیگران **منتفی**
شرط: صادقانه از خدا بخواهیم

غیر المغضوب علیهم ولا الضالین: کسانی که خدا بر آن ها خشم گرفته یا راه را گم کرده اند **منتفی**

اگر

تکرار درست موارد بالا می دهد تسلط بالا بر خود و تقوای بی نظیر که می دهد عدم انجام منکرات

(ب) عبارات زرهی نماز:

(منظور از عبارات زرهی نماز یعنی عبارات و اعمالی که در طی نماز می خوانیم و انجام می دهیم که ما را از یک منکر خاص به مانند یک زره جنگی در امان نگه می دارند)

منکر	زره نماز؟
شرک به خدا	سوره ی توحید
دوستی با دشمنان پیامبر	درود بر پیامبر
درخواست از دیگران	دعای قنوت
تفرقه در جامعه	نماز جماعت
شرک عملی + پرستش غیر خدا	ایاک نعبد
شرک عملی + دوستی با دیگران	ایاک نستعین

(۶) خنثی کننده های نماز:

امام صادق: هر کس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است. اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می شود که **عیب و نقصی** در نماز خواندن ما هست.

جمع بندی:

نکته: در انجام عباداتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد یکی **شرط صحت** و دیگری **شرط کمال** مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد نمازش صحیح است، یعنی شرایط صحت را دارد. اما برای این که این نماز در او تأثیر داشته باشد و او را از گناهان بازدارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند، که به آن شرط کمال می گویند مثل این که با **دقت و توجه** نماز بخواند. مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است.

اثرگذاری نماز بر فرد وقتی است که: (۱) پیوسته باشد و ترک نشود (۲) با دقت و توجه باشد.

سرعت اثر گذاری نماز بر انسان وابسته به: (۱) کیفیت نماز (۲) رعایت آداب پذیرفته شدن نماز وابسته به: **میزان بازدارندگی نماز از گناه و زشتی و منکر**
الف) خشم پدر و مادر:

امام صادق: فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند **هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند** نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.

ب) غیبت کردن: پیامبر اکرم به ابوذر: هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه اش **قبول نمی شود** مگر این که غیبت شده او را ببخشد.

(۷) برنامه روزانه نماز:

پیامبر: نمازهای یومیه مانند چشمه ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن شست و شو می کنند.

- * بیداری
- * اقامه نماز صبح + پیشگاه خدا + عهد با خدا + وارد کار و فعالیت
- * فعالیت روزانه + آلوده شدن به گرد و غبار
- * اقامه نماز ظهر و عصر + پاک کردن قلب از غبارها
- * ادامه فعالیت ها
- * اقامه نماز مغرب و عشاء + پاک شدن مجدد از غبارها + آرامش و آسودگی و آمادگی برای خواب شبانه

(۸) روزه:

خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می کند که اگر آن را به درستی (شرط صحت) و با معرفت (شرط کمال) انجام دهد، چنان قدرت و تسلطی بر خود پیدا می کند که (۱) می تواند موانع درونی را کنار بزند و (۲) گام های موفقیت به سوی برترین هدف های زندگی را به خوبی بردارد این عمل همان روزه است.
روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است.

(۹) دو نکته مهم روزه:

۱. نتیجه نهایی روزه: انسان احساس می کند هر کاری را که خداوند دستور داده، می تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی ننماید.
۲. پیامبر: چه بسا روزه داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی شود؛ علت بیان: بعضی افراد به گونه ای روزه می گیرند که از اذان صبح تا اذان مغرب چیزی ننوشیده و نمی خورند ولی در طول روز مرتکب گناهانی می شوند در حالی که باید علاوه بر تحمل گرسنگی و تشنگی صفت تقوا در مقابل گناه در ما ایجاد و تقویت شود.

(۱۰) آیات درس:

آیه خطاب خدا به پیامبر (ص)

و آنگاه که بندگانم درباره‌ی من از تو می‌پرسند	وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي	ضرورت دعا برای
(بگو): من به آنان نزدیک هستم	فَأِنِّي قَرِيبٌ ←	کشف راه‌رستگاری
اجابت می‌کنم دعای آن که مرا بخواند	أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ	اکنون که خدا
پس باید دعوت مرا بپذیرند	فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي	نزدیک است
و به من ایمان آورند	وَلْيُؤْمِنُوا بِي	وظیفه‌ما
باشد که راه یابند	لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ	«علت»
		«معلول»

به شرطی که بنده ی خدا: الف) دعوت خدا را بپذیرد ب) ایمان به خدا بیآورد ج) از صمیم قلب خدا را بخواند خداوند او را اجابت می‌کند (تقدم اجابت دعوت خدا توسط بنده بر اجابت دعای بنده توسط خدا (شبهه آیه توبه)

بقره، ۱۸۶



تقدم خواست انسان بر اجابت الهی/سرشت خدا آشنا یکی از سرمایه‌های انسان (فانی قریب)/شعر: دوست نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم

.....	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا	نماز
... در مسی‌حرکت الهی از نماز ...	اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ	
.....	إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ	منظور از صبر همان روزه است.
... و صبریاری می‌گیریم ...	سنت توفیق	
.....	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا	
.....	كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ	روزه
... و جوب روزه:	كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ	
.....	لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ	

بقره، ۱۸۳

پیام کلی: روزه مصداق کامل پایداری در برابر خواهش‌های دل است.



امام باقر(ع): اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت / روزه مختص مسلمانان نیست / روزه تقوا را که از مصادیق صبر است افزایش می‌دهد.

.....	خداوند به پیامبر اُتِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ	۱- تلاوت قرآن
.....	وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ ←	۲- برپایی نماز
.....	إِنَّ الصَّلَاةَ	
.....	تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ	فایده‌ی نماز
باز دارند از گناه (تقوا)	وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ	
یاد خدا (فایده‌ی برتر) ...	وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ←	اعتقاد به حضور الهی

عنکبوت، ۴۵



دریافت و ابلاغ وحی یکی از قلمروهای رسالت پیامبران (اتل ما اوحی الیک) + هر جا کتاب دیدی سریع بگو هدایت تشریحی انسان + مرجعیت دینی (اقم الصلاة)

۱۱) احکام روزه:

(خیلی مهم احتمالی ۹۹ - از این یک صفحه یک تست قطعی کنکور)

۱ تعریف روزه

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند، از اذان صبح تا مغرب از کارهایی که روزه را باطل می کند، خودداری نماید. انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه ی همه ی ماه را بنماید.

۲ باطل کننده های روزه

نه چیز روزه را باطل می کند، که از آن جمله است: (کتاب ۶ مورد گفته)

۱. خوردن، آشامیدن،
۲. دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر علیهم السلام،
۳. رساندن غبار غلیظ به حلق،
۴. فرو بردن تمام سر در آب،
۵. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
۶. قی کردن

نکات مهم:

اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود. اگر روزه دار، چیزی را که لای دندان مانده، عمداً بخورد روزه اش باطل می شود. انسان نمی تواند به خاطر ضعف، روزه ی خود را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود تحمل کرد، می تواند افطار کند چرا که حفظ جان واجب تر است.

روزه دار نباید غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آن ها را به حلق برساند.

اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرد ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد اشکال ندارد و روزه ی او صحیح است.

سایر احکام روزه:

۱. کسی که غسل جنابت بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمداً تیمم ننماید، نمی تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است. اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.
۲. اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُد یعنی تقریباً ۷۵+ گرم گندم یا جو و مانند آن ها به فقیر بدهد.
۳. اگر کسی روزه ی ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد. (کفاره: یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد به هر فقیر یک مُد و این کار باید تا رمضان آینده انجام شود.)
۴. اگر کسی به چیز حرامی روزه ی خود را باطل کند، مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره ی جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره ی یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظیفه شخص مسافر:

کسی که به سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

۱. رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی یعنی ۲۲/۵ کیلومتر نباشد و مجموعه ی رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد.
۲. بخواند کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده بماند. پس کسی که می خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.
۳. برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد. مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد.
۴. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.
۵. اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟ در صورتی که قبل از رسیدن به آن مکان چیزی نخورده باشد و یا نباشامیده باشد می تواند روزه بگیرد ولی اگر به گمان نرسیدن به وطن بعد از اذان صبح چیزی خورده باشد دیگر نمی تواند روزه بگیرد.

۶. اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد، وظیفه اش چیست؟ آن روز را نمی تواند روزه بگیرد چراکه شرط روزه گرفتن در هر محل درک زمان ظهر در آن محل است. (ظهر را باید آنجا باشد تا بتواند تصمیم بگیرد آن روز را می تواند روزه بگیرد یا خیر)
۷. اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه اش نسبت به روزه ی آن روز چیست؟ روزه ی او درست است و باید آن را ادامه دهد.
۸. اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه اش چیست؟ آن روز را نمی تواند روزه بگیرد و لذا باید روزه خود را افطار کند و بعد ها یک روز به جای آن روز، روزه بگیرد. (اینجوری حفظ کن: سختی مسیر توی سفر باعث شده روزه قبل از ظهر رو بخوریم ولی اگه بعد از ظهر مسافرت کنیم چون تایمش خیلی کمتره پس تنبلی ممنوع باید روزه رو ادامه بدیم راستی حواست باشه اینو با این که مسافر بعد از ظهر به مقصدش برسه که نباید روزه بگیره اون روز رو قاطی نکنیا بابا جان!!)
۹. تست کنکور ۹۸: در کدام یک از سفر های ۵ روزه زیر مسافر باید نمازش را تمام بخواند؟
 ۱) مسافت رفت و برگشت او هر کدام کمتر از ۴ فرسخ و بیشتر از ۸ فرسخ نباشد.
 ۲) رفت و برگشت او جمعاً ۸ فرسخ و رفت او بیش از نیمی از آن نباشد.
 ۳) رفت او کمتر از ۴ فرسخ و برگشت کمتر از ۸ فرسخ نباشد.
 ۴) مسافت رفت او ۳ فرسخ و مسافت برگشت ۸ فرسخ باشد.
- پاسخ: گزینه ۴ (خداوکیلی این تست کنکور ۹۸ عه ها خخخخ خدایی چی میزنن این طراحای کنکور؟)
۱۰. نکات ۵ و ۶ و ۷ و ۸ احتمالی کنکور ۹۹ هستند.
۱۱. یه جمع بندی توپ که از گجی در بیای:
 پیش از ظهر به مقصد برسد: اگه غذا خورده روزه نه! اگه نخورده روزه بله!
 بعد از ظهر به مقصد برسد: روزه نه!
 پیش از ظهر مسافرت را شروع کند: روزه نه!
 بعد از ظهر مسافرت را شروع کند: روزه بله!

پایان جزوه درس شانزدهم دینی دو

محل یادداشت های من:

نکات فوق خاص غفوری

جزوه دینی دوم

۱) در آیه شریفه ((و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابه و هو علی جمعهم)) اگر بپرسند کدام موضوع استنباط می شود؛ شما بین دو گزینه زیر به شک می افتید:

گزینه اول) آفرینش جهان هستی با تمام مخلوقات

گزینه دوم) خلق آسمان ها و زمین و موجودات آن

جواب گزینه دوم است؛ مشکل بزرگ در طرح این تست در این نکته است که در گزینه دوم به جای آن که مفهوم و معنی یا همان موضوع آیه که ((خلق آسمان ها و زمین و پراکندن جنیندگان آن که از کلمه ی دابه مفهوم می شود)) را به صورت کامل بنویسد به صورت ناقص در گزینه دوم مطرح کرده است که همین می تواند دانش آموز بدبخت را به شک بیندازد که نکند گزینه اول هم درست باشد! اما اگر دقت کنید در آیه ی موجود در صورت تست حرفی از ((همه ی موجودات)) زده نشده بنابراین گزینه اول غلط خواهد بود!

۲) اگر در تستی بپرسند: ((کدام آیه به ویژگی انسان اشاره دارد و او را از سایر موجودات متمایز می کند)) شما کدام گزینه را انتخاب می کنید؟

گزینه اول) ((و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها))

گزینه دوم) ((انی خالق بشر من طین...))

گزینه سوم) ((کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوات الشیطان))

بگذارید چیزی بگویم به عنوان استاد دینی به شما توصیه می کنم در حل این گونه سوالات (مثل سوال بالا!) حتی ۱ درصد هم از احساسات و عواطف تان در حل سوال کمک نگیرید! من و سایر طراحان به خوبی می دانیم که شما دوستان نظام قدیم تا چه حد روی کتاب درسی دین و زندگی مسلط هستید و امسال که خیلی از شما برای بار سوم و حتی بار چهارم و پنجم در حال مطالعه کتاب درسی دینی هستید مطمئناً همه مطالب را مطالعه کردید و به خوبی بر کتاب هایتان سوار هستید ولی نکته ای که هست گاهی این تسلط زیادی روی مطالب کار دستتان می دهد در این تست اگر گزینه اول را بررسی کنید متوجه می شوید که به ((وجود گرایش به خیر و نیکی در انسان)) به عنوان یکی از سرمایه های انسان اشاره دارد که این سرمایه ها را در درس سوم دینی دوم خواندیم و می دانیم که این سرمایه ها باعث برتری انسان بر سایر موجودات می شوند پس جواب گزینه یک هست ولی یک لحظه صبر کنید! متن سوال را درست بخوانید خیلی از شما نظام قدیمی ها حق تان نبوده که امسال هم پشت کنکور بمانید ولی می دانید چرا پشت کنکورید؟ بدلیل همین بی دقتی های ساده!! متن سوال گفته: ((و او را از سایر موجودات متمایز می کند.)) یعنی باید آیه ای را پیدا کنیم که در آن انسان را از سایر موجودات متمایز بداند! نه آن که به واسطه یک ویژگی خاص انسان را متمایز از سایر موجودات کرده باشد! گرفتید چی شد؟! در صورتی جواب گزینه اول بود که طراح بگوید: ((کدام آیه به ویژگی انسان اشاره دارد که او را از سایر موجودات متمایز می کند.))

جواب گزینه دوم است ادامه آیه می گوید: ((فقعوا له ساجدین)) که این موضوع را بیان می کند که: انسان به واسطه وجود روح دارای ویژگی هایی شده است که او را از سایر موجودات متمایز کرده است و بنابراین فرشتگان بر روح انسان سجد می زنند.

پس می توانیم اینجوری بگیم:

وجود روح در انسان (علت) می دهد ویژگی های خاص (معلول)

ویژگی های خاص در انسان (علت) می دهد تمایز از سایر موجودات (معلول)

نتیجه: پس وجود روح در انسان (علت) می دهد تمایز از سایر موجودات (معلول)

نتیجه گیری در سوپر تست زنی به سبک غفوری:

پس هرگاه در تستی گفته شود:

الف) و او را از سایر موجودات متمایز می کند.

آنگاه پاسخ وجود روح است که می دهد برتری بر سایر موجودات و آن آیه ای را باید انتخاب کنیم که در ابداش ((انی

خالق بشر)) آمده و در انتهایش ((فقعوا له ساجدین)) آمده است.

ب) که او را از سایر موجودات متمایز می کند.

آنگاه پاسخ وجود یکی از سرمایه های انسان است مثلاً همون گزینه ی اول که در تست قبلی تحلیل نمودیم

نکته: این مورد در آزمون سنجش آمد منتظرش در کنکور ۹۹ هم باشید امضا غفوری...

۳) و الذی قدر فهدی اشاره دارد به هدایت هر موجودی متناسب با ویژگی های آن موجود؛ خیلی از بچه ها تا ((هر))

را می بینند می گویند ایوللل پس این همون هدایت عام خداوند است! نخیر چون گفته: متناسب با ویژگی های همان

موجود پس نوع هدایت خاص است حالا میاد تو کنکور ببینید چند نفر اشتباه میزنن همین به نکته رو!!!

۴) اصل توحید= قل هو الله احد توحید خالقیت= قل الله... و هو واحد القهار

نتیجه: اگر در تستی بگویند: ((قل الله)) باید بگویید توحید در خالقیت چون در ادامه ی این آیه خداوند می گوید: قل الله

خالق کل شی ولی اگر در تستی بگویند: ((قل هو)) باید بگویید اصل توحید.

۵) اگر در تستی بگویند: بیت: ((دلی کز معرفت نور و صفا دید/به هر چیزی که دید اول خدا دید)) با کدام مورد اشاره

دارد؟

و دو تا عبارت داد در گزینه های تان: ۱) ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه ۲) الله نور السماوات و الارض....

اولویت با مورد اول است چرا که نزدیک ترین عبارت مورد اول است با این که مورد دوم هم دقیقاً هم مفهوم است ولی

اولویت در مورد اول است پس گزینه یک را بنزید و به متن کتاب درسی احترام بگذارید تا نتیجه کنکور تان ۵ رقمی نشود!!

۶) اگر در تستی بیت: ((ذات نایافته از هستی بخش/کی تواند که شود هستی بخش)) را به شما بدهند و بگویند با کدام

مورد ارتباط مفهومی دارد:

گزینه اول: وابسته بودن جهان در پیدایش خود به خداوند

گزینه دوم: وابستگی ذاتی انسان و مخلوقات به خداوند

شما کدام را می زنید؟ آیا شک نمی کنید و نمی گوید ای بابا!!!!!! این دو تا یک مطلب را می رسانند!! نخیر اشتباه نکنید

طراح از شما مفهوم نخواست است طراح از شما به یاد آوردن دقیق متن کتاب را خواسته است! در متن کتاب برای تفسیر این

بیت داریم: یک موجود تنها در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازی ندارد که ذات و حقیقتش مساوی با موجود

بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد...)) بنابراین جواب گزینه دوم است.

۷) مواظب باشید آیه ((و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابه و هو علی جمعهم)) یا ((و من آیاته ان

تقوم السماء و الارض بامرهم...)) اشتباه نگیرید طراح قسمت دوم هر آیه را از شما طلب می کند که قسمت دوم آیه دوم

میشه: برپایی آسمان و زمین به فرمان خداوند.

۸) گرایش به خیر و نیکی همون نفس لوامه است مواظب باش طراح اگه بگه همون فطرت خدا آشناست غلط بگیری، و توی آیات مواظب باش که باید آیه مربوط به نفس لوامه (فجورها و تقواها) رو تیک بزنی خیلیا میرن آیه مربوط به فطرت خدا آشنا یعنی آیه (فطر الناس علیها) رو اشتباهی تیک میزنن.

۹) یوم تقوم الساعة.....بیانگر جهنم رستاخیزی است نه برزخی حواست باشه!!!!

یادداشت نامه دینی دو

...

چطور دینی دو بخوانیم؟

چطور تست بزنییم؟

اولاً دینی دوم دبیرستان به گفته خیلی ها سخت ترین و پر آیه ترین کتاب دین و زندگی کنکور محسوب میشد پس استارت مون رو با دینی دوم زدیم

ثانیاً ما دینی دوم دبیرستان رو در ۵ زنجیره بررسی کردیم:

زنجیره اول: درس ۱ تا ۴ که پایه و اساس کل دینی کنکور محسوب میشه که به زودی جزوه شو واستون قرار میدم

زنجیره دوم: درس ۵ تا ۷ یا معاد شناسی

زنجیره سوم: درس ۱۰ تا ۱۲ یا محبت به حق

زنجیره چهارم: درس ۱۴ تا ۱۶ یا احکام

زنجیره پنجم: درس ۸ و ۹ و ۱۳ که حفظیات صرف محسوب میشن و شما باید این درس ها رو از روی کتاب درسی بخونید و مطمئناً هیچ مسکلی براتون درست نمیکنن

ثالثاً روند خوندنتون هم به این صورت باشه که اول یک دور جزوه هر درس رو دقیق میخونید و سپس فقط و فقط تست های تالیفی همان درس رو از روی کتاب تستی که دارید می زنید و در مرحله بعد اگر تستی بود که اشتباه زدید باید به متن جزوه برگردید و دوباره همان قسمت رو مطالعه کنید و سرانجام برای بار آخر دوباره یک نگاه کلی به متن جزوه کنید و تست های کنکور و سنجش همان دزس رو به صورت یک آزمون ۲۵ تستی در عرض ۱۰ دقیقه به جواب برسونید و باز اگر مشکلی در تست ها داشتید به متن جزوه برگردید با این روند آموزشی شما اگر ۱۰۰ زدید آیدی بنده و سایر اساتید برای رفع اشکال هست میتونید بازهم کمک بگیرید که البته من مطمئنم و قسم میخورم ۱۰۰ می زنید.

موفق و پیروز باشید

مهدی غفوری

جهت استفاده از سایر جزوات ما را در کانال تلگرامی مان دنبال کنید:

@konkurpex